

التعلم، ورة الابنیا، حیهم اهل السماء و یستغفر لهم الجنان فی الجبر اذا ملوا لیوم الیابد.

مجموعه ساری: همه قتها تو داده اند که تندیس و پیکرتراشی جانداران حرام است، به دلیل روایتی که امام می فرماید: هر کس مجسمه ای بسازد، از اسلام خارج می شود.

مجموعه ساری: همه قتها تو داده اند که تندیس و پیکرتراشی جانداران حرام است، به دلیل روایتی که امام می فرماید: هر کس مجسمه ای بسازد، از اسلام خارج می شود.

هفته نامه فرهنگی، هنری، اجتماعی مهر



در این شماره می خوانید: خیلی از مدیون خود را رفتنی می بینند • درباره تبلیغات انتخاباتی برای رئیس جمهور آینده • نظریه‌خواهی از اهل فرهنگ و هنر درباره توقعات فرهنگی از رئیس جمهور آینده • آرماتها و آرزوها موزه ای به نام کانون بازیگشتگان جوان • به مناسبت ۲۸ اردیبهشت روز جهانی موزه کیهان اطلاعاتی قصه محله ما آشیانه مهر / شبکه های مخفی جشنواره سینما در شهر بی سینما فوائد متعدده برای رعیت • رابرت یومیه از جشنواره ویدئویی سوره سینمای روز جهان • درباره فارگو، سوار اتوبوس شو، گلهای سرخ پدر، تذهیه از راه دهان ممنوع، دروغگو و...

حضرت آیت الله العظمی خاتمی‌ای: کاری کنید که مردم با رأی بالایی بتوانند يك شخص لایق، مدیر، متعهد، متدین و مجرب در اداره امور کشور را انتخاب کنند.

کسی را به مردم معرفی کنید که با معیارهای صحیح، تطبیق کند.

وقوع حائنه ناسف بار زلزله استان خراسان را به هم میمان عزیز، به ویژه محبت دیدگان این حادثه تسلیت می کنیم.

زنده باد عزیزان بی جهت • صرف تنفر از آمریکا و اعلام انزجار از سینمای هالیوود، سینمای بی تاریخ و بی تقویم ما را نجات نخواهد داد.

کسی صدای خرد شدن استخوانهایش را نشنید • شان، جایگاه و نقش ملی مهندسیین کلمات و هنر و فرهنگ را بشناسید و حرمت مادی و معنوی آنان را پاس بدارید و غفلت گذشته را تکرار نکنید.

هنر انقلاب اسلامی صاحب موزه شد • با ابتکار و تلاشهای پیکر حوزه هنری و همت شهر داری موزه هنری انقلاب اسلامی گشایش می یابد.

جدول کلمات متقاطع

Crossword puzzle grid with numbers 1-15 and a list of words to be placed: افقی: ۱-درشته کوه-هایی در خراسان-هوای دو حیوانی، ۲-تازیانه چرمی-فلز نرم و کم دوام-نامی آشنا در علوم نفسانی، ۳-چهره و رخسار-پیشمانی که روز جمعه در مسجد نماز اذیت می خوانند-ره طولی، ۴-بهترین نوع اختیار-فهمیدن و پی بردن-شالوده و بنیاد-رویی که در کشورهای سوئیس و فرانسه جاری است، ۵-طرف اعتماد-دین داری-پرچم، ۶-شهری در گذشته های دور-خط یا همت گاشتن، ۷-از ساخته های ناصر مهدی پور-با بازی جمشید هاشم پور، ۸-ایلوخ خوشایه، مهدید افشارزاده، امرااله صابری و ... ۹-رودی در فرانسه که به دریای مانس سرازیر می گردد-دشمنی و عداوت، ۸-از دافنی های اتحاد و اتفاق میانه نثارده-منوع می خواهد تا پرواز کند، ۹-در ظاهر عیب نیست و در باطن، ۱۰-سپار-روزی، روزگاری اصفهان را با این نام می شناختند-آب، انجیر، انگور و ... ۱۱-سوغات-ویتمینی است-باریکه از چوب در اطراف چهارچوب، ۱۱-جان و روان-گیاهی دارای ساقه های توخالی که جوانه های برگ و شکوفه های آن خوشبو است-مغز و هسته خیار نشیر، ۱۲-از پس اندازی ها-درختی کوتاه با گل های ریز و سفید و دارای میوه ای با دانه های خوشبو-شوهری در همسایگی تهران-هر چه هست دسترسی شما به آن آسان است، ۱۳-نسخ شایسته-تسهلیم میوه ای داخل دانه، ۱۴-تندیس برای مثال از زبانی-عسوی در

داخل بدن-از فلاسفه مشهور آلمان که تا آخر عمر، هشدانگالی مجرد و مرتب زندگی کرد، ۱۵-کمتر مشکلی از این طریق حل نشده باقی مانده است-گرداگرد: ۱-تاریخی و قدیمی-نام دیگر رود فره سو، ۲-ذیباله این نام: نورالدین عبدالرحمن این نظام الدین احمدین محمد ... دارای شماره یک پس از آردهنده های تابستان-بهشت دختران، ۳-نام دیگر عود-هنری که مردم ایران با آن بیگانه نیستند-گیاهی علفی و پایا که نام شناخته آن دشیرین بیان است، ۴-مخفف آواز آنگبی از موسیقی ایرانی-سختن، ۵-معنی اصطلاحی در تنیس، ۶-کوه شهری در آلمان، ۱۳-فیلمی از مجید جوانمرد با بازی پرویز

مراسم تعذیه در مجتمع فرهنگی فجر

مراسم تعذیه واحد نمایش حوزه هنری تا شب هفدهم محرم در مجتمع فرهنگی فجر ادامه دارد. به گزارش روابط عمومی حوزه هنری این برنامه با همکاری شهرداری منطقه ۱۶ از تاریخ سوم محرم برگزار شده است. در ادامه این برنامه روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت تعذیه شهادت حضرت عباس (ع) سه شنبه ۳۰ اردیبهشت تعذیه

گفت و گو در باره هنرهای نمایشی

استادان و هنرمندان کشور در نشانه‌های در ۸ مؤسسه آموزش عالی سوره ۴ حوزه هنری در باره هنرهای نمایشی به بحث و تبادل نظر می پردازند. در ادامه این نشستهای دوره ای، روز شنبه ۲۰ اردیبهشت ماه جاری، آقای خسرو خورشیدی با حضور استادان و دانشجویان و علاقه مندان هنرهای نمایشی در باره نقش و اهمیت پیام رسانی در نمایش به گفت و گو می پردازند. علاقه مندان جهت استفاده از این برنامه، می توانند راس ساعت ۱۴ در مؤسسه آموزش عالی سوره واقع در خیابان ولی عصر (عج)، بین چهار راه جمهوری و جامی، پلاک ۱۸ حضور به هم رسانند.

Advertisement for 'Mehregan' magazine featuring a list of authors and topics: هفته نامه فرهنگی، هنری، اجتماعی • صاحب امتیاز: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی • مدیر مسئول: محمدعلی زم زبیر نظر شورای نویسندگان • تلفن و فاکس تحریریه: ۶۵۸۱۶۶ - ۶۵۳۳۹۹ • تلفن سازمان آگهی ها: ۳ - ۳۰۰۴۱ • فاکس سازمان آگهی ها: ۳۰۰۲۰ • تیراژ: ۵۳۰۰ (پنجاه و سه هزار) نسخه • لیترگرافی و چاپ: مؤسسه انتشارات سوره

Advertisement for a book by 'Brader Arjmand Jafar Agha Engineer' (برادر ارجمند جناب آقای مهندس محمدحسن عرفانیان آسپایی) about 'The Significance and Management of the High Level of the Supreme Republic' (اعطای نشان لیاقت و مدیریت به جناب عالی از سوی مقام محترم ریاست جمهوری را تریک عرض نموده و توفیق روزافزون حضرت عالی را از درگاه خداوند متعال خواستاریم. مهندسین مشاور اس پادانا - حوزه هنری

Advertisement for 'Mehregan' magazine: مصرف تولیدات داخلی = افزایش کیفیت + کاهش هزینه + تقویت قدرت ملی شرکت دخانیات ایران

Advertisement for 'Mehregan' magazine: همراه با کتاب، کتاب فیلم و مجموعه ای زیبا در کنار کتابخانه شما. با نوارهای ویدیویی شما. آیا می دانید نوارهای ویدیویی شما زمانبندی مختلف را در اختیار شما قرار می دهد، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۳۰، ۴۵، ۶۰، ۹۰، ۱۲۰، ۱۸۰ دقیقه ای، انتخاب با شماست. پوشش گرمیوم دی اکسید، سیستم بک کوبینگ دولایه. وبسایت عمومی: تلفن ۶۴۹۰۱-۶۴۹۳۸۴-۶۴۹۳۸۷



در باره تبلیغات انتخاباتی خیلی از مدیران خود را رفتنی می بیند



۳- طبیعی است که بعد از گذشت هجده سال از انقلاب، امروز همه چیز نهادینه شده باشد و امور مردم مکتبی به شخص یا جریان خاصی نباشد. به هر حال هر

۱- مسئله انتخابات برای همه مهم است. حتی آنها که نتایج را از پیش فرض شده تلقی می کنند. ناخودآگاه در شور و حال انتخابات تکرار می گیرند و به دفاع از جناحی یا مکتوب کردن جناح دیگر می پردازند. تقریباً در این دوره از انتخابات، آدم بی طرف و بی خط و ربط خیلی کم یافت می شود و اینها همه نشان از سلاست و نشاط سیاسی جامعه ما دارد. برخلاف کمالاتی که معتقدند تبلیغات امر زائدی است که هزینه ها را به هدر می دهد باید بگوئیم که انتخابات با همین شعارها و تبلیغات و پوستره های خیابانی و تیزرهای ژورنالیستی و ... روح پیدا می کند و جامعه را به شور و حرکت وامی دارد. البته در کشورهای دیگر که داعیه دینداری ندارند و اخلاق را صرفاً یک امر اعتباری می دانند، این تبلیغات حد و حصر ندارد و مسئولین ستاد انتخاباتی نامزدها هیچ حرمی را نمی شناسند که برای جذب آراء بیشتر وارد آن نشوند. اما برای ما همیشه حرمیها و مقدساتی وجود دارد که از طرف هیچ فقیه و مجتهدی مجاز نیستیم که بران زهرن زدیم تناسب آراء وارد آنها شویم یا مقدسات را در بازیهای تبلیغاتی مورد مصرف قرار دهیم. ما همیشه در طول انقلاب و جنگ برای شهدا حرمت خاصی قائل بودیم و خود را مکلف دانسته ایم که رری امور دنیا، جریانهای سیاسی به قداست آنها لطمه وارد نکنیم.

۲- آسریکالی ها شعاری دارند که معمولاً در جریان فعالیتها انتخاباتی شان از آن استفاده می کنند: « یکی برای همه، همه برای یکی » این شعار به نوعی ذات تفکر آسریکالی ها است و بیشتر کسانی که بخوانند خود را به آنها نزدیک کنند، یا مثل آنها صحبت کنند، از این شعار حتماً استفاده می کنند. متأسفانه در متن یکی از برنامه های تبلیغاتی که برای انتخابات و ترغیب مردم برای شرکت در آن ساخته شده بود، این شعار نیز شنیده می شد. شرکت مردم ما در انتخابات و برگزیدن یکی از کاندیدها، اعمال کردن به تکلیفی است که از سوی انقلاب بر آنها حکم شده است و نیز آن یک نفر که ریاست جمهوری را بر عهده می گیرد به همین حکم عمل کرده است. یکی برای همه، همه برای یکی » را برای مردمی ساخته اند که با دین و دینداری نسبتی ندارند و صرفاً خود را در برابر هم و در برابر جامعه مدنی که در آن بسر می برند مسئول می دانند.

باید کاری کرد که مردم خودشان انتخاب کنند.

گزینه ای از فرمایشات مقام معظم رهبری در باره انتخابات ریاست جمهوری

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در دیدار با خانواده های معظم سرداران شهید استان تهران هر گونه اظهار نظر برای جلب رضایت غربی ها را یک سیاست و فعل غلط برشمردند و فرمودند: چرا باید کسانی در مورد حقوق بشر و یا در باره زن به گونه ای حرف بزنند که با نظر اسلام مخالف باشد و به تریبی سخن بگویند که گویی ما باید خود را به نقطه نظر غربی ها نزدیک کنیم. این غربی ها هستند که باید نقطه نظرات خود را به ما نزدیک آردی. آنها باید دیدگاه غلط و باطل خود را در قبال مسئله زن و حقوق بشر و مسئله آزادی و دموکراسی توضیح و اصلاح کنند و با نظرات اسلامی تطبیق دهند.

رهبر فرزانه انقلاب در دیدار با روحانیون، فضلای و مبلغان نیز فرمودند: کاری کنید که مردم با رای بالایی بتوانند یک شخص لایق، ملیر، متعهد، متدین و مجرب و اداره امور کشور را انتخاب کنند. شما باید در میان نامزدها کسی را به مردم معرفی کنید که با معیارهای صحیح، تطبیق کند.

عصمتاً مقام معظم رهبری در دیدار با مدیران سازمان صدا و سیما ضرورت مطرح شدن معیارها برای انتخاب نامزد اصیل از سوی مردم را یادآور شدند و فرمودند: باید کاری کرد که مردم خودشان انتخاب کنند.

ایشان انتخابات را بهترین عرصه حضور مردم در صحنه سیاسی کشور توصیف کردند و فرمودند: اینجاب به حضور مردم در پای صندوق ها بیشتر اهمیت می دهم و باید اکثریت قاطعی از راجدین شرایط رای دادن احساس مسئولیت کنند و در پای صندوق ها حاضر شوند، زیرا با این کار امنیت نظام جمهوری اسلامی در مقابل خصومت های مستمر دشمنان ملت ایران تضمین و تامین خواهد شد.

۳- دیوارهای شهر پرشده است از پوستره ها و تراکهای که نامزدهای ریاست جمهوری برای معرفی خود و اهداف خود، به چاپ رسانده اند. در همه جای دنیا هر کسی که بخواند کار تبلیغاتی نکند، با مسائوری تبلیغات و طراحان گرافیک به مشورت می نشیند و از آنها می خواهد تا در شیوه صحیح و اثر گذار و زیبایی تبلیغات او را کمک کنند. متأسفانه در ایران مشاورین تبلیغات عموماً دلال های هستند که درصددی از حق لزجحه گرافیکست و سفارش دهند و از آن خود می کنند و معمولاً هم سفارش دهنده ها نیازی نمی بینند تا با کسی به مشورت بنشینند یا کار تبلیغاتی زیبایی را ارائه دهند. با توجه به پوسترهایی که در سطح شهر تهران از نامزدهای ریاست جمهوری زده شده است می توان فهمید که هیچ ستادی سعی نکرده است تا یک مدیر هنری و یا طراح گرافیک در انجام امور تبلیغاتی خود استفاده کند. حالا که قرار است پوستره ها دیوارهای شهر تهران را تا مدتی بپوشانند، بهتر است پوستره های زیبا و جذابی ساخته شود تا این دیوارهای شهر بیشتر قابل تحمل شود.

بک انتخاب

نوعی وجدان بیدار
عکاسان خبری
چگونه می بینند

جیمز نیجویی



JAMES NACHTWEY

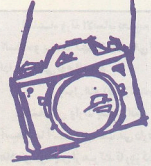


جیمز نیجویی، امروزه فخر عکاسی خبری است. عکسهای خبری او از بزرگترین اتفاقات دنیای معاصر بوده او را جانشین سلف فاجعه ای یا سادوای ای اتفاق می افتد، سر و کله اولین نظری که پیدا می شود، جیمز نیجویی است در ماجرای طالبان او عکسهای

بی شماری را برای نشریات مختلف بیروت، سندهای ماندگاری برای آیندگان هستند. امروز هر جا جنگی، فاجعه ای یا سادوای ای اتفاق می افتد، سر و کله اولین نظری که پیدا می شود، جیمز نیجویی است در ماجرای طالبان او عکسهای

افتاده و... تا بتوانم - شاید - به عنوان نومی وجدان بیدار حمل بار برهنه مدال طلای «رپرت کایا» شده است.

خودش عقیده دارد: «برای من مهم است که وقایع جنگ را ببینم، سپس از یک ممبران وحشیانه اسرائیلی ها.» □



نمایشگاه عکس در فرهنگسرای انذیشه

نمایشگاهی از آثار عکاسی آقای خیرآبادی در فرهنگسرای انذیشه دایر است.

به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای انذیشه، از ۱۸ تا ۲۸ آبانماه ۲۸ اردیبهشت ماه برپاست و در آن ۵۰ اثر عکسهای با موضوع آزاد به نمایش گذاشته شده است.

علاقتمندان جهت بازدید می توانند همه روزه از ساعت ۹ الی ۲۰ به نگارخانه انذیشه واقع در خیابان شریعی، مقابل پل سینخندان، مقابل باشگاه پیام مراجعه نمایند. □

تابکم TABCHEM

TABCHEM CHEMICAL INDUSTRIES Co.

فرکت صنایع شیمیایی تابکم (سهایی خان) | شماره ثبت ۱۳۷۷۸

محصولات صنایع شیمیایی تابکم که بر پایه علوم شیمیایی در رشته آنالیز و عکس العملهای شیمیایی در سطوح گوناگون شده است. عمدتاً شامل گروههای زیر می باشد:

- ۱- انواع چرمی، کرم، رسوب پر، کربن زدا، اسید پر، رنگ پر، رنگ بر،
- ۲- انواع کوئیکهای شیمیایی از قبیل فسفاتهای آهن، روی،
- ۳- انواع روان کننده ها و خنک کننده های شیمیایی؛
- ۴- انواع شوینده های شیمیایی و وسایل نظایه زمین، دریایی، هوایی؛
- ۵- انواع ضد عفونی کننده و پاک کننده های شیمیایی صنعتی؛
- ۶- چسب چوب و ضد چوب، صابون شامپو، و سفید کننده؛
- ۷- شیشه شوی اتومبیل، گاز پاک کن، سفید کننده، و ضد عفونی کننده.

همکاری و درخواست شما

صنایع شیمیایی تابکم

تولید محصولات جدید

تهران - خیابان
ایرانشهر جنوبی، پلاک ۸۷،
طبقه ۵، تلفن: ۸۸۲۹۸۵ -
۸۸۲۷۷۶، فاکس: ۸۸۲۰۸۸۶

5th floor, No.87,
S.Iranshahr St.,
Tehran - Iran,
Tel: 8829850 -
8840868 - 9,
Fax: 8828776

ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN PETROCHEMICAL COMMERCIAL COMPANY

- GAS & LIQUIDS**
- LPG
 - ETHYLENE
 - PROPYLENE (CHEMICAL GRADE)
 - RAFFINATE (OTRE FEED)
 - VINYL CHLORIDE MONOMER
 - C PLUS
 - DRY PYROLYSIS GASOLINE
 - ARGON GAS
- POLYMERS**
- HIGH DENSITY POLYETHYLENE
 - LOW DENSITY POLYETHYLENE
 - LINEAR LOW DENSITY POLYETHYLENE
 - POLYPROPYLENE
 - POLYVINYL CHLORIDE
 - STYRENE BUTADIENE RUBBER
 - POLYBUTADIENE RUBBER



- CHEMICALS**
- BENZENE
 - PARAXYLENE
 - ORTHOXYLENE
 - MIXED XYLENE
 - ACETIC ACID
 - VINYL ACETATE MONOMER
 - MONOETHYLENE GLYCOL
 - DIETHYLENE GLYCOL
 - ETHYLENE DICHLORIDE
 - CAUSTIC SODA
 - METHANOL
 - 2 ETHYL HEXANOL
- SULPHUR & FERTILIZERS**
- UREA
 - AMMONIUM NITRATE
 - ANHYDROUS AMMONIA
 - SULPHURIC ACID
 - SULPHUR



هر کسی عینک خودش را دارد!

گفت و گو با علیرضا کایوان راد، طراح و نقاش

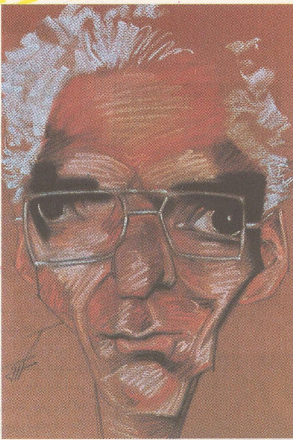


با بدن طرح‌ها و نقاشی‌های علیرضا کایوان راد در انگارخانه برگ، با دنیای غربی رونه و شلیم؟ دنیایی متفاوت از دنیای پیرامون و چیزی که نه از جنس نقاشی ست و نه از جنس کاریکاتور. دنیای نقاشی و طرح‌های او دنیای رویاها نیست، حتی دنیای فریاد و اعتراض هم نیست، دنیای ذهنی هنرمندی است که برداشتی از زندگی و آثار هنرمندان دیگر را، در قالب پرتره‌های عجیب و غریب به نمایش می‌گذارد. او اهالی سینما را نقاشی می‌کند آنان را پس از گذراندن از صافی ذهن غریبش به نمایش می‌گذارد. گویی دوستانه با او داشته ایم که می‌خواهد:

■ برای ایسن کارها، چه اساسی می‌گذارد؟
□ به این موضوع فکر نکرده‌ام. ولی هر چه که دوست دارید: نقاشی، گرافیک، کاریکاتور، هرچه پیشنهاد بگویید، قبول است! ضمناً بین هنرهای تصویری، مرزی وجود ندارد.

■ پس، تعریف خاصی برای کار خودتان ندارید؟
□ البته، کاملاً هم این طور نیست. من از بی‌مرزی میان هنرهای تصویری استفاده کردم. خوب، اغراق در مضامین و فرم‌ها از کاریکاتور نشأت می‌گیرد، اما من بیشتر به دنبال وجه اشتراکات هنرها بینایی‌ها و همچنین کنایه‌های خارج از چهار دیواری گالری، مثل روستاها، باغ بهادران، کلادوشت، روی پل خواجه- اصفهان، برگزار کرده است. به نظر می‌رسد، آریان تلاش کرده است تا بین فرم‌های سنتی و مدرن جدید، ارتباطی پیدا کند. به همین خاطر در میان آثارش، اجزای قلمزنی آثار استاد فرشچیان، یا اجزای قلمکاری نقاشی‌های سهراب سپهری نیز یافت می‌شود.

■ چرا دست روی هنرمندان ستیمايي گذاشتید؟
□ من قصد داشتم کلیه اطلاعات را در یک پرتره به همه نشان بدهم؛ این پرتره‌ها برای من همچون مروری است بر نقاشی‌های سهراب سپهری نیز یافت می‌شود.



برای رییس جمهور آینده



عزت‌الله انتظامی (بازگر)

تنها بی‌هنران پرورش می‌یابند. در چنین اوضاعی، هنر کور، هنر دروغ پرداز، هنر مخدر، هنر خشتی، هنر تبلیغاتی صرف و در نتیجه بی تأثیر، میدان داد می‌شود و راه برای هجوم ضد فرهنگی بیگانه‌ها که به آن نهاجم فرهنگی می‌گویند، هموار می‌گردد.

اصلی‌ترین وظیفه هر مجری در سطوح عالی، این است که از طریق ایجاد امنیت، احترام و آزادی در زمینه خلق آثار هنری، راه را بر هجوم ضد فرهنگ بیگانه مسدود کند.



سیروس اوناد (فیلساز)

با این امید که رئیس جمهور آینده ما دست اخوت و برادری به هنرمندان واقعی دهد و قید و بندهای گوناگون را از دستان هنرمند خواجه‌ان و برادران دلسوز، مؤمن و وطن پرست بزد کند، در انتخابات شرکت می‌کنیم.

که این فیلم‌ها باید سه برابر در سینماها، فروش داشته باشند تا بتواند مبلغ هزینه شده را به سرمایه گذار برگرداند و اگر در سال ۶۰ فیلم به معرض نمایش درمی‌آید، فقط بیش از دو یا سه فیلم می‌توانست سرمایه صرف شده را به سرمایه گذار برگرداند. این امر، باعث زیانهای بسیار برای تهیه کنندگان فیلم‌سازان شده است. رئیس جمهور آینده، باید در سوجه مملکت، صنعتی را برای تولید فیلمهای سینمایی اختصاص بدهد تا با کمکهای مالی بلاعوض به فیلمسازان متممده جمهوری اسلامی ایران هزینه تولید فیلم کمتر شود.

بیزاد رحیمی (بازگر)
توقع ما هنرمندان از رئیس محترم جمهوری این است: مؤمن، متفلسف، منیر، مستحضر و مقاس عالم و کارآمد باشد در راه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، همواره بکوشد و به مقابل نهاجم فرهنگ غرب و شرق، ایستادگی کند و به ارزشهای باور این صنف آسیب نپذیرد بی‌سکنتی و این قشر بی‌پناه، احترام بگذارد.



مهدی صیباغ زاده (کارگردان)

تمام فرهنگ دوستان و هنرمندان این مملکت، چشم امیدشان به رئیس جمهور آینده است که به سینما به دلیل ابعاد وسیع و گسترده فرهنگی اش که به همپاری و حمایت نیاز دارد و در شرایط فعلی که از نظر اقتصادی در بحران خاصی است، توجه کند. این توجه می‌تواند سینما را رونق بخشد و از وابستگیها دور نگاه دارد تا بتواند فرهنگ جامعه را باورتر و گسترده تر، حفظ کند.



سیدعلی میرفلاح (گرافیست)
به لحاظ فرهنگی، از رئیس جمهور آینده، توقعات زیادی می‌شود داشت. می‌شود از ایشان خواست که همه کمبودهای فرهنگی یا بی‌سفری‌های ناخواسته دولت گذشته نسبت به فرهنگ هنر را یکباره جبران کنند و شد و توسعه فرهنگی را منتاسب رشد توسعه اقتصادی در دستور کار خود قرار دهند. اما یک مسئله را نباید از خاطر دور نگه داریم. بحث نهاجم فرهنگی که رهبر فرزانه انقلاب نیز بارها درباره آن سخن گفته و مبارزه با آن را مورد تأکید قرار دادند، یک بحث کاملاً جدی و ریشه‌ای است. رئیس دولت آینده اگر بخواهد کار فرهنگی و زیربنایی انجام دهد، ابتدا باید برای مبارزه با نهاجم فرهنگی غرب، برنامه‌ریزی بلندمدت و کاملاً حساب شده داشته باشد. بعد نیست که همچنان چان کلام رهبر انقلاب مورد غفلت قرار گیرد و مصداقهای کوچک تا نهاجم فرهنگی مورد سرزنش و توبیخ قرار بگیرند و محکوم شوند، و از مصادیق روشن و اساسی آن غفلت شود.

هنر مهمترین مسئله در نسبت با فرهنگ جامعه است. هنرمندان میراث‌داران خاطره قومی اند. آنها افرادی هستند که سینه به سینه با دل‌آگاهی، اندیشه و احساس و آگاهی میراث فرهنگ جامعه و ملت خویش را بر دوش می‌کشند، پس احترام به این افراد، شناخت و درک نیازهای مادی، عاطفی و روحی آنها مهمترین وظیفه سرمداران سیاست و مسئولین فرهنگی از جمله رئیس جمهور است. در کشورهای دیگر آنگاه که موفقیت و حقوق هنرمندان ارزش حضور تاریخی‌شان درک شده، آنها را بالاترین حقوق مادی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر خورده‌اند درک این حقوق و وظیفه سرمداران سیاست است. نگاه کنونی نظرانه یا زبانی نظریه‌پردازان هنرمند چنین تبلیغ برای تبلیغ اهداف سیاسی است. هنرمند را از جایگاه حقیقی خود به سقوط می‌کشاند و به فرهنگ جامعه لطمه وارد می‌سازد و آن را تخریب می‌کند.

سوکواری سالار شهیدان در حوزه هنری

هنرمندان، نویسندگان و شاعران، امام شهیدان سالار شهیدان - حضرت ابی‌طالب (ع) - را در حوزه هنری به سوگ می‌نشینند و مراسم عزاداری برپا می‌دارند. این مراسم که از تاریخ ۲۲ اردیبهشت برابر با ششم ماه محرم به مدت شب آغاز می‌شود شامل سخنرانی درباره سیره و شخصیت حضرت امام حسین (ع) و یاران باوفایش، شعرخوانی، مداحی و عزاداری است. علائق و دل‌سوخان حضرتش می‌تواند در این مراسم باشکوه و واقع در حوزه هنری، خیابان حافظ، تقاطع خیابان سمیه، شرکت

Advertisement for AAA Optical Co., Ltd. featuring images of eyeglasses, contact lenses, and a camera. Text includes: شرکت توسعه بازرگانی فتح العباد, تلفن‌ها: ۶۴۶۶۰۹۹۳, ۶۴۶۶۰۹۹۴, ۶۴۶۹۹۴۷, ۳۰۰۰۴۱-۳۰۰۰۴۲-۳۰۰۰۴۳.

Advertisement for eye care services. Text includes: سازمان آگهی‌های هفته‌نامه «مهر» آگهی می‌پذیرد.



ماه نگار

به کوشش جواد جزینی، کارشناسی گروه فقه، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۳۳۰ ص. ن. ۱۰۴ ص. ۲۰۰ تومان. مجموعه‌ای از ۱۰ داستان کوتاه که در آن نویسندگان متعهد کشورمان از راه آثارشان به دوستداران ادبیات داستانی معرفی می‌کند.



کار آگاه سبز کرده

دربوش عبادی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۳۳۰ ص. ن. ۱۶۴ ص. ۲۸۰ تومان. «کار آگاه سبز کرده» نوشته شده است. این رمان از هفت فصل شکل گرفته و زمینه اصلی آن تلاش و مبارزه‌جویی برای راندن ظلم و استبداد است.

انقدار فرهنگی

آرمانها و آرزوها

محمد علی زم

نمایش مینماید و اقتدار حرکتیهای زهرایی بخش و انقلابیهای بزرگ معاصر، تا سالهای سال پس از تولدشان، مبرهن حفظ شعارهای آرمانی و تبدیل آنها به شعور است. شعار: یعنی آنچه بر زبان و دل مردم بیجاخاسته در راه رسیدن به آرمانها و آرزوهایشان جاری است. و شعور به معنی یاد ساختن و همفکری و پیشیندن و ریشه دار کردن همان آرزوها و آرمانها است.

تبدیل شعار به شعور، در عنوان جوانی یک انقلاب، با تعیین باورهای اجتنابناپذیر و ملی است که در حین یک حرکت اجتماعی شکل گرفته است. ادبیات و هنر و به طور کلی فرهنگ از جمله راههای نفوذ در دلبندان آدمی هستند. انقلابیها، توانا، کارآمد و ماندگار خواهند شد که توانسته باشند، شعارها و پیامها، آرمانها و آرزوهای ملی و عاطفی خود را از

طریق این ابزارها و قالبهای مؤثر و نافذ به باطن انسانها گشایند و آنها را از عقلانی سوق داده باشد. و با برانگیختن عقل و فکر آنها، نهال عشق را در کشتزار آرزوها و آرمانهای مردم بکار و آنها را وادار دتا با کار و تلاش مداوم در همیشه سبز نگاه داشتن این نهال بکوشند.

آیا انقلاب اسلامی توانسته است از ادبیات و هنر و خاصه هنرهای ناقدی چون سینما و نمایش و موسیقی در جهت بخش باورهای اجتماعی و تحقق آرزوها و آرمانهای بزرگ خود استفاده کند؟ اگر پاسخ این سؤال مثبت نیست، باید بپرسیم که رنانه رئیس جمهور آینده برای نهادینه کردن آرزوها و ایجاد شعور اجتماعی و شعور عاشقانه نسبت به حفظ موقعیتهای فرهنگی چیست؟



هنر انقلاب اسلامی، صاحب موزه شد.

سرنجام پس از گذشت هجده سال از پیروزی انقلاب اسلامی، با تلاشهای پیگیر حوزه هنری و همکاری شهرداری تهران، آثار هنری مربوط به انقلاب اسلامی در موزه ای به همین نام نگهداری خواهد شد. مکان این موزه در مرکز تهران شناسی شهرداری تهران در مسیر بزرگراه نواب است.

در شماره آینده مهر گزارش تفصیلی این موزه خدمت خوانندگان محترم ارائه خواهد شد. مجالاً گفتنی است که اگر این اقدام صورت نمی گرفت شاید بسیاری از آثار دوران انقلاب! از بین می رفت و یا به دست فراموشی سپرده می شد.

بهترین هدیه برای همه کتاب است

مؤسسه انتشاراتی سوره

فرم اشتراک

حق اشتراک:

تهران: شش ماهه ۵۰۰۰ ریال/ یکساله ۱۰۰۰۰ ریال
 شهرستان: شش ماهه ۶۰۰۰ ریال/ یکساله ۱۲۰۰۰ ریال
 اروپا: شش ماهه ۳۶۵۰۰ ریال/ یکساله ۷۳۰۰۰ ریال
 آمریکا: شش ماهه ۴۲۵۰۰ ریال/ یکساله ۸۵۰۰۰ ریال

لطفاً مبلغ اشتراک را به حساب جاری ۵۹۳/۱۸۲۵۲ بانک تجارت شعبه سمیه غربی به نام جراید حوزه هنری، کد ۱۸۰، (قابل پرداخت در کلیه شعب) واریز و اصل فیش بانکی را به همراه فرم پر شده به نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۳۴/۱۵۸۱۵ یا ۱۸۴۵/۱۵۸۱۵ ارسال نمایند.

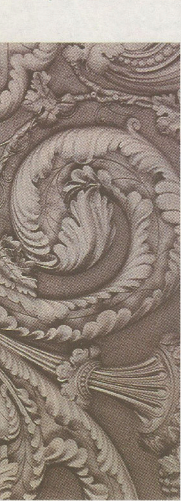
نام: _____ نام خانوادگی: _____
 متولد: _____ میزان تحصیلات: _____
 نشانی (به همراه کد پستی و تلفن): _____

باغ فردوس و استاد رضایی تهرانی تنها یادگار آن گروه سی نفری

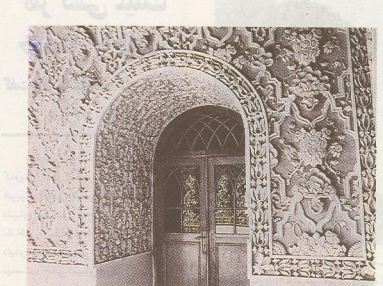
حشر گنج بری در حال زوال است. البته تکمیل. البته خیلی از انقشار آسیب ناپذیر جامعه مان برای تزیین منازلشان به گنج بری روی آورده اند. اما حاصل این گرایش، بیشتر نوعی گنج بری بی ریشه و لوکس، ضعیف و بی هویت بوده است که اکثر آنوسط قالبهایی از پیش آماده انجام می شود اما استادان اصیل این رشته به تدریج، در کسح عزلت، دنیا را بدرود می گویند.

امروزه آخرین یادگارهای گنج بری اصیل را می توان در آثار به جای مانده در «باغ فردوس» شمیران دید. این بنا که قدمتش به دوره قاجاری می رسد، در سال ۱۳۵۰ توسط گروهی مرکب از سی استاد گنج بر و معمار مودرمت و بازسازی قرار گرفت. سرپرستی این گروه بر عهده مرحوم استاد حسن رضایی تهرانی بود که در آن زمان، پیش از نود سال عمر داشته و کلیه طراحی و بازسازی، زیر نظر ایشان اجرا شده است. کوچکترین فرد این گروه، شخصی به نام علیرضا رضایی تهرانی، فرزند استاد بوده است. در این جمع سی نفری که بیست و نه نفر آنان، جان به جان آفرین تسلیم کردند، تنها استاد علیرضا رضایی تهرانی باقی مانده است. به تازگی به همت یک گروه تحقیق دانشجویی، پرونده و شناسنامه این آثار باستانی و اسامی کلیه کسانی که در مرمت و بازسازی این بنا تلاش کرده اند، به دست آمده است. مصاحبه کوتاهی با تنها یادگار آن گروه سی نفری داشتیم که می خوانید.

فعالتهای شما از چند سالگی شروع شد و در چه جاهایی کار کرده اید؟
 از سن چهارده سالگی، کنار پدر کار می کردم و شاید اولین کارهایی که انجام دادم، یکی از کاخ موزههای سمدانیان بوده است. در عالی قاپو، وزارت جنگ، مجلس، موزه آنگیکه هم کار کرده ام، البته، چند تایی از کارها، در واقع یک جور مرمت و بازسازی در کنار پدر بوده است. او باشکوه از هنر تخصصی خود صحبت می کرد و از وضعیت فعلی این هنر سنتی و بی توجهی مسئولان گله ها داشت... حتی کارهایی که در امکان دولتی انجام می شود از خلاقیت هنرمندان اصیل این رشته، بی بهره است و خیلی تجاری با این هنر برخورد می کنند. برای مثال، چیزی در



ریف سومینه! یک اهل فن به خوبی متوجه می شود که در ساخت این آثار، هیچ کج سبک خاصی به کار نرفته است و تنها نوع کار عوام پستفانه است و پس.
 در حال حاضر، سبک در گنج بری چه مفهومی دارد و تفاوت آن با گنج بری دوران مرمت «باغ فردوس» در چیست؟
 سبک صفوی، مشخصه های خاص خودش مثل طرحهای اسلیمی و ختایی را دارد و در دوران قاجار طرحهای گل و برگ هست و کم کم طرحهای رومی و یونانی، تحت عنوان طرحهای فرنگی وارد می شود و در حال حاضر هم منساقفانه، زمان



بی سبکی یا هنر بی نظم و بی روشگی است. وقتی حکمهای «باغ فردوس» را به ایشان نشان می دهم، نکته جالبی را متذکر می شوند... در دوران اولیه، یعنی هنگام ساخت این بنا، ظاهر آن درشته گنج بره این مکان آورده اند؛ چراکه طرح گنج بره ای هر اتاق با اتاقهای دیگر و در هر طبقه با طبقه دیگر، متفاوت است. به همین دلیل، هنگام مرمت، پدرم استاد رضایی تهرانی، مجبور بود برای بازسازی هر اتاق گنج بری



تجسمی



ایران، طلایه دار هنر خوننویسی در جهان اسلام

نخستین گردهمایی خوننویسان جهان اسلام از تاریخ یکم تا پنجم اردیبهشت ماه سال جاری در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد. در این گردهمایی خوننویسان ده کشور اسلامی با بیش از ۹۳ اثر شرکت کرده اند. در مراسم افتتاحیه این گردهمایی که با حضور دکتر حبیبی معاون اول رئیس جمهور، مهندس میرسلیم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهندس خورشید معاون هنری وزارت ارشاد و تفتی چند از خوننویسان نامی ایران و سایر کشورهای اسلامی برگزار شد. دکتر حبیبی و آقای میرسلیم به ترتیب طی سخنانی بر لزوم تشکیل انجمن خوننویسان کشورهای اسلامی تأکید کردند. در طی روزهای پس گزرای جشنواره، خوننویسان و محققان مختلفی از ایران و سایر کشورهای اسلامی به ایراد مقالات تحقیقی درباره تاریخچه و کنیه نویسی در انواع ایران، زیبایی شناسی خط، انواع خطوط اسلامی و سایر مسائل تخصصی خوننویسی پرداختند. این گردهمایی در روز پنجم اردیبهشت ماه با اهدای جوایز برگزیدگان جشنواره پایان یافت.

نمایشگاهی از آثار گرافیک دانشجویان مؤسسه آموزش عالی سوره، در نگارخانه سوره، تا تاریخ اول خردادماه برپا شده است.
 در این نمایشگاه آثاری با موضوعهای «آزم»، «لوگو» و «تصویرسازی کتاب کودتاه» به نمایش درآمده است.
 علاقه مندان جهت بازدید از این نمایشگاه می توانند از ساعت ۱۰ لغایت ۱۶ به نگارخانه سوره واقع در خیابان ولیعصر (عج) بین چهارراه جمهوری و جامی مراجعه کنند.

در بود و نبود تئاتر

شاید بارها این بحث را شنیده باشید که نمایش (درام) و تئاتر واژه‌هایی فرنگی هستند که چنانکه از آنها برمی آید، سوغات اصل واژه یونانی و سوغات آن سامان - اجنبی - است، لذا اصلاً بحث از تئاتر بومی، ملی، سنتی و... معنا ندارد، این بدان می ماند که بگویم فلسفه‌ها، باز اصل واژه یونانی و سوغات آن سامان محسوب می شود، پس اساساً اجنبی و بیگانه است.

همان طور که می توان استدلال کرد «فلسفه» نجره ای از تفکر است که حتی پیش از ابداع واژه یونانی وجود داشته، می توان گفت که نمایش و تئاتر هم نوعی تلقی و ابداع هنری است که از ملزومات هر فرهنگ غنی محسوب می شود و فقدان آن، نشانه فقر و نقصان خواهد بود.

می پرسند، این چه نوع تفکر و چه نوع شیوه ای است، برای ورود به بحث، ناچارم دو مفهوم (نه صرفاً دو واژه) را در ذهنم تکریم کنم: نمایش (درام) و تئاتر. خواهیم دید که با همه وابستگی های فراوان میان آن دو مفهومی، هر یک از آنها نوعی تلقی خاص را عرضه می کند.

می توانیم «نمایش» را در برابر «درام» و «نمایشی» را در برابر «دراماتیک» بگذاریم. پس نمایش» معادل مناسبی برای تئاتر (نمایشی) است. از سوی دیگر، نمایشی (دراماتیک) به مفهومی وسیعتر از صفات و مشخصات پایدار نمایشنامه ها و دیگر آثار نمایشی به کار می رود. به نظر من رسد که تعریف و شیوه نمایشی، گرنه ای تلقی خاص است که شامل آثار غیرنمایشی نیز می تواند باشد، اما حضور آن در آثار نمایشی، الزامی جلدی و بیبیم نیز ضروری است. حال بیبیم این شیوه نگارش و اندیشه، چگونه است.

بدون مقدمه چنین و بی آنکه وارد بخش های حاشیه ای شویم، سه شیوه را با هم مقایسه می کنیم: غنایی (لیبریک)، حماسی یا روایی (اپیک) و نمایشی (دراماتیک). فقط از طریق این قبایلی است که می توان فهمید، شیوه نمایشی نوعی نگارش یا نحوه برخورد است و می توان پرسید: آیا این شیوه نگارش، سیوق به هیچ سابقه ای نیست و با گرایشهای فرهنگی و دینی ما تا چه حد سازگار است؟ و آیا اساساً ما بیگانه است؟ به طور ساده، می توان گفت که در شیوه غنایی، هنرمندان «فحاصل» اندیشه خود را بیان موجود باشد - که هست - همانا روایت اول شخص است، حتی



نتیجه آنکه به علت غلبه شکل غنایی بر ادبیات و فرهنگ گذشته ما، داستان، به عنوان «داستان»؛ کمتر مورد توجه بوده است، حال آنکه ادبیات راوی از نظر کتبی، بخش عمده ای از ادبیات ما تشکیل می دهد. البته باید فردوسی، نظامی و تقالان و قصه گویمان فریضی را (که «مسکه عیار» «مهرتیمس عیار»، «حسین کرد شیری»؛ و... یادگار آنهاست) از این اصل مستثنی دانست، بویژه فردوسی را که در شاعرانه اش داستان، به عنوان «داستان» گاه تا مرحله ای پیش می رود که شایسته اطلاق صفت «نمایشی» است. در نهایتاً از شیوه حکایت در حکایت کتابهای چون «هزار و یک شب»، «کلیله و دمنده»... که به طور عمده آورد هندوستان است و درسی گذشته، البته منظور آن نیست که راری داستانگو، ابتناهی است و پایان نمی کند، و فرض او صرفاً سرگرمی است. در این نحوه بیان، اندیشه یا

فصلی خواهیم نوشت در ابتدای حال برادر کردن این مرد [حسین زوریا]... امروز که من این قصه آغاز می کنم... از این قوم که من سخن خواهم راند یسکی و دن تزنه اند، و خواجه گوشه ای افتاده، و خواجه بوهمیل روزتی چند سال است از گذشته شده است، و به پاسخ آن که از وی رفت گرفتار. و ما را با آن کار نیست - هر چند ما از وی رازی داریم - به هیچ حال... در تاریخ می بینم سخن تازم که آن به تعصبی و تزلندی کشد... بلکه آن گویم که تا خاندانگان با من اندر این موافقت کنند و طبعی زنند... اسطوره، حماسه، قصه، اساطیر و اصطلاحات دیگری از این قبیل، همه و همه در حوزه فرهنگی ما وجود دارد، اما نه کاملاً، بلکه بیشتر غنایی است. شیوه دیگر را می توان «حماسی» یا «روایی» نامید. اگر در شیوه غنایی، زمان و مکان از اهمیت بیشتی ندارد، در شکل روایی اهمیت مآلوروی پیدا می کند. روایت اساساً زمانمند است. تاریخ هم نوعی روایت است. پس تاریخ نویسی هم به نوعی از این شیوه است. اگر شیوه غنایی تماماً وقف اندیشه و احساس داری است، در شیوه حماسی یا روایی، داری به مقتضای حال از خود کناره می گیری و در اصل روایت نیز مستحیل می شود، یعنی آنجا که شیوه غنایی بیشتر با تمام ذرونی و ذهنی است، شیوه حماسی یا روایی، در این هر دو واحد سیر می کند. گاه درونی است برای بیان احساسی و عینی، تاریخ هم از این قاعده مستثنی نیست.

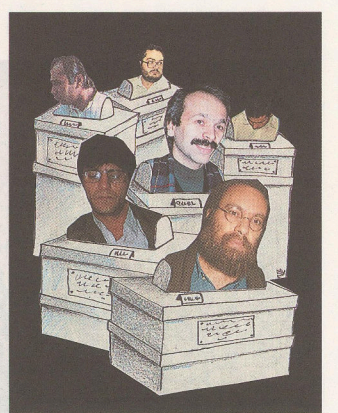
فصلی خواهیم نوشت در ابتدای حال برادر کردن این مرد [حسین زوریا]... امروز که من این قصه آغاز می کنم... از این قوم که من سخن خواهم راند یسکی و دن تزنه اند، و خواجه گوشه ای افتاده، و خواجه بوهمیل روزتی چند سال است از گذشته شده است، و به پاسخ آن که از وی رفت گرفتار. و ما را با آن کار نیست - هر چند ما از وی رازی داریم - به هیچ حال... در تاریخ می بینم سخن تازم که آن به تعصبی و تزلندی کشد... بلکه آن گویم که تا خاندانگان با من اندر این موافقت کنند و طبعی زنند... اسطوره، حماسه، قصه، اساطیر و اصطلاحات دیگری از این قبیل، همه و همه در حوزه فرهنگی ما وجود دارد، اما نه کاملاً، بلکه بیشتر غنایی است.

شیوه دیگر را می توان «حماسی» یا «روایی» نامید. اگر در شیوه غنایی، زمان و مکان از اهمیت بیشتی ندارد، در شکل روایی اهمیت مآلوروی پیدا می کند. روایت اساساً زمانمند است. تاریخ هم نوعی روایت است. پس تاریخ نویسی هم به نوعی از این شیوه است. اگر شیوه غنایی تماماً وقف اندیشه و احساس داری است، در شیوه حماسی یا روایی، داری به مقتضای حال از خود کناره می گیری و در اصل روایت نیز مستحیل می شود، یعنی آنجا که شیوه غنایی بیشتر با تمام ذرونی و ذهنی است، شیوه حماسی یا روایی، در این هر دو واحد سیر می کند. گاه درونی است برای بیان احساسی و عینی، تاریخ هم از این قاعده مستثنی نیست.

موزه ای به نام «کانون بازیستانگان جوان»

به مناسبت ۲۸ اردیبهشت، روز جهانی موزه

من هماندم که دولت کسی می خواهد یک اقدام جدی و یک فکر اساسی بکند. بالاتر نسل و فرودمان باز نشتگان جوان انقضای عایدی داشته باشیم، و ارزشمندی خود را از ادبیات ما نشان خواهیم داد و ما مسجور انجمتیکهای حاصلی از قبیل بوینیف و یونسکو، ما را برای عدم احساس مسئولیت نسبت به بقای این نسل، مورد سرزنش قرار خواهند داد و ما مسجور خواهیم شد، به خاطر تهور افکار عمومی و چیران مات، یک هفته راه به نام این نسل نمانداری کنیم و بودجه های کلانی را برای تبلیغات بین المللی هزینه کنیم.



بلکه آنها را به حال خود رها کرده اند و حتی به فکر آن نیستند که این نسل چگونه فوت روزانه خود را بپاید... ما امروز در حال دست دادن سرمایه عظیمی هستیم که به خاطر بی توجهی ما سلبقت شخصی بعضی از مسئولین، در حال هدر شدن است. بسیاری از کشورهای خارجی حاضرند برای به دست

بلکه آنها را به حال خود رها کرده اند و حتی به فکر آن نیستند که این نسل چگونه فوت روزانه خود را بپاید... ما امروز در حال دست دادن سرمایه عظیمی هستیم که به خاطر بی توجهی ما سلبقت شخصی بعضی از مسئولین، در حال هدر شدن است. بسیاری از کشورهای خارجی حاضرند برای به دست

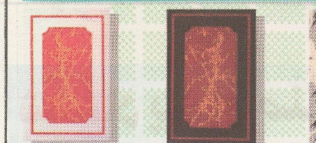
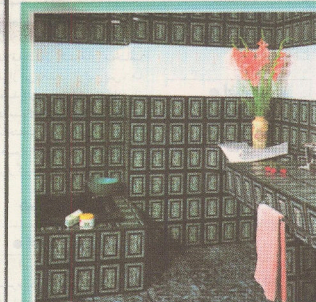
بلکه آنها را به حال خود رها کرده اند و حتی به فکر آن نیستند که این نسل چگونه فوت روزانه خود را بپاید... ما امروز در حال دست دادن سرمایه عظیمی هستیم که به خاطر بی توجهی ما سلبقت شخصی بعضی از مسئولین، در حال هدر شدن است. بسیاری از کشورهای خارجی حاضرند برای به دست



معلم مدیر کی می شود

از طرف علی لاریجانی، علی معلم به عنوان مدیر کل واحد موسیقی سازمان صدا و سیما انتصاب شد. در حاشیه این خبر سرمت بخش چهار نکته را یادآور می شویم: ۱- منظور این حکم، علی معلم داغمانی است و ربطی به علی معلم دبلی نمایشی ندارد. ۲- علی معلم تنها حکیم عارف پیشه ای است که به مسئولیتهای دنیایی پشت پا نمی زند و نمی گذارند تا امور دنیای مردم لنگ بماند.

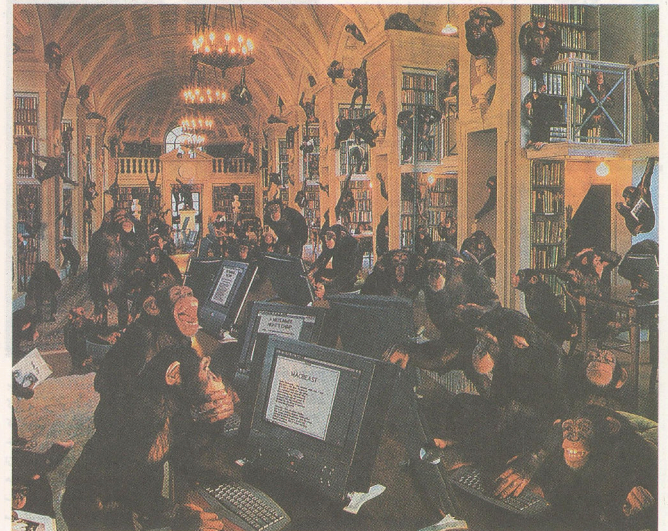
۳- برای ایشان و واحد موسیقی صدا و سیما آرزوی توفیق روزافزون و... دردم. ۴- ما مخلص آقای معلم هم هستیم.



تلفن: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
کتابخانه: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱



تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱
تهران: ۰۲۱-۳۲۱۰۱۳۲۱



امروز دیگر «اینترنت» برای همه نامی آشناست و به یکی از مهمترین منابع اطلاعات در سطح جهان تبدیل شده است. انجمنهای متنوع این شبکه، اطلاعات بسیاری را در اختیار علاقه‌مندان رشته‌های مختلف قرار می‌دهند. از این پس، ما قصد داریم به تدریج تعدادی از آدرسهای مربوط به انجمنهای مختلف را در اختیار شما قرار دهیم و امیدواریم مورد استفاده قرار گیرد.

هنر

● انجمن نقد هنری
این انجمن دارای یک فهرست پستی است و برای کسانی که به هنرهای تجسمی علاقه‌مند هستند، مناسب است.

● اخبار هنری
در این انجمن، داستانهایی واقع صحنه هنر باژگو می‌شود. این داستانهای شامل اخبار مربوط به تئاتر، موسیقی و هنرهای زیباتر، است.

● جامعه هنری
در جوامع هنری، چه روی می‌دهند؟ در این انجمن، هنرمندان احساسی جمعی خویش را با در میان گذاشتن عقاید، نوشتن نقد و بررسی، اعلام و تشکیل کارگاههای تخصصی هنری و کمک کردن به دیگران با

تهران: انتهای آفریقا، خیابان گلخانه، شماره ۸
تلفن: ۰۲۰۵۱۸۸۶ - ۰۲۰۵۱۶۲۵ - ۰۲۰۵۱۹۸۰
فانکس: ۰۲۰۳۴۲۱۴

Arts & Entertainment - Selected Reviews

● هنرهای موجون
در این انجمن، تاریخچه و فهرست منابع موجود مربوط به هنر در شبکه اینترنت و سایر شبکه‌ها وجود دارد.

Anonymous FTP:
Address: nic.funet.fi
Path: Pub/doc/library/artbase.txt.z

● هنر سرامیک سازی و فهرست توضیحاتی آن

در این انجمن، فهرست پستی مناسبی برای علاقه‌مندان هنر سرامیک سازی و کوزه‌گری قرار دارد. همچنین دربارهٔ موضوعات آن، توضیحات زیادی شامل مقالات زیبایی‌شناسی، اطلاعات رسانی و نمایشگاهها قرار دارد.

Listserv mailing list:
List Address: clayart @ ukcc.bitnet
Subscription Address: listserv @ ukcc.bitnet

● انجمن هنرهای زیبا

در این انجمن، هنرمندان برای جست‌وجوی معنا، تأثیر، مسئولیت و تاریخ هنر گروه‌مندی و کارش در زمینهٔ روز و معنای هنر انجام می‌گیرد. این انجمن، یک انجمن تحقیقاتی و مناسب دانشجویان است و کسی در آنجا، مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد. این انجمن می‌تواند به بیشتر سوالات کاملاً تکنیکی یا تئوریک پاسخ بدهد. زیرا تعدادی از هنرمندان همیشه روی خط هستند، که راه بسیار خوبی برای گردآوری آنان در یک مکان است.

● نقد و بررسی هنر و سایر سرگرمیها

در این انجمن، فیلمها، کتابها و هنرها مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. نقد و بررسیها به صورت مرتب و به‌روزی انجام می‌شود.

● تصاویر هنرهای زیبا
عصر جدید به معنی «هنر

برای همه است. تصاویر دیجیتالی مربوط به هنرهای زیبا در این انجمن در دسترس علاقه‌مندان دریافت آنها قرار دارد. فهرست E. به شکلی منحصر به فرد برای توضیح نحوه ارسال و ثبت تصاویر ایجاد شده و هر دو گروه موجود در این انجمن، میانه‌رو هستند.

● انجمن هنرهای زیبا (فهرست منابع موجود)
یک فهرست عالی از منابع هنری موجود در «اینترنت» را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

Anonymous FTP:
Address: ra.msstate.edu
Path: pub/archives/finear - online/online - Directory

● گرافیک

گرافیک در حال ارتقا به یک فرم هنری است. می‌توانید در این انجمن، تعدادی از کارهای مورد علاقه خویش را مشاهده کنید.

● مونا لیزا

نقاشی مشهور «مونا لیزا» اثر لئوناردو داونچی در فهرست الکترونیکی.

● تصاویر هنرهای زیبا
عصر جدید به معنی «هنر

خاستگاههای تئاتر آوانگارد (۲)

■ مارکارت کرایبن
ترجمه: هوشنگ آزادی‌ور

نمادگرایی و طبیعت‌گرایی

بودلر می‌گفت: «هر چیزی در طبیعت با واقعیتهای معنوی در ارتباط است. حواس و کیفیات وجودی انسان نیز با چنین واقعیتی مرتبط است و می‌تواند به گونه‌ای متقابل از طریق تصاویری نمایان منتقل شود.» بودلر با این مقدمه زنجیره‌ای از صدا، رنگ و مزه را در اشعار خود در کنار هم می‌چید تا با استفاده از نمادهای حسی، بوها و طعمها منظر ذهن را تداعی کند و احساسی را با احساسهای دیگر بیان کند و به این ترتیب، عواطف گسترده و پراکنده را به هم مربوط گرداند.

بودلر تأثیر مستقیم بر تئاتر نگذاشت، اما آثار و نظریه‌هایش همچون خلاصه راهنمایی بر آوانگاردهای بعدی مؤثر افتاد و بتدریج مورد استفاده قرار گرفت. جست‌وجوی بودلر در «کلام صائب» یا «سخن عادل» و شیوهٔ پدید کلمات، آسمانه‌سازیها، اصرار در این‌که زیبایی و «شرف» جدایی‌ناپذیرند، و نیز این‌که بیان شعر را تجربه‌های محسوس تشکیل می‌دهد، همچون مهری بر آذهان و الحان هنرمندان آینده ماندگار شد.

تأثیر بودلر بویژه در آرتور رمبو می‌جوان آشکار شد، که در فاصلهٔ ستین ساله‌اش تا بیست و یک سالگی، برخی از درخشانترین اشعار فرانسه قرن نوزدهم را سرود. رمبو پس از

ارتیج سال تعلق خاطر و دوستی افراطی با پل ورلن و زندگی در فقر، بیماری و ناکامی، ناگهان نابینا شد و دیگر حتی یک سطر شعر سرود. تصاویر شاعرانهٔ رمبو، حتی پیش از انتشار مجموعه «فضلی در دوزخ»، هوشناک، نوین‌آزم و پندش آور تلقی می‌شد. او در سن پانزده سالگی عقایدی را در باب رؤیاییستی صورت‌بندی کرده بود که پایهٔ نظریه‌های مکتب فروانگرای (سوررئالیسم) در آینده شد. رمبو در نامه‌های یک تفسیر «شده» عزم خود را جزم کرده تا «بسته» یا «اهل کرامت شود و به رسالتی عمل کند که قادر است مدال ملکنوی» خود را مشاهده کند و بر رازهای نهفتهٔ تکلیف‌گامی بایند. رمبو به عنوان یک فیثوگ، امیدوار بود که از این‌تبادل روزمرگی فراتر رود و با طریق‌اشعارش چیزهای «نادیده» را

وصف کند. در چنین وضعیتی بود که رمبو اشعار «انداوای خود را سرود. او به عنوان یک رمزگرا بر این باور بود که خواهد توانست جهان رؤیا را به شیوهٔ بودلر درک کند و زبان نوبنی یارفیند تا بتوان با آن جهان و توهم را هم‌زمان وصف کرد. «این زبان نوین به منطبق افکا نداشت، همان که در دسترس زبان و صرف و نحو هم کاری نداشت.» او بر آن بود که چادروا هم در کلمات (دریافت) از فرهنگ بدوی گرفته بود، رنگ صموغها، و «کیبایی کلمات» بایند و خود گمان داشت که موفق شده است:

الف سیاه بود
ب سرخ
آ، ای
اوه، سبز
بودلر شروع شد (هرچند شاعران پیش از او هم به این مسئله اندیشیده بودند) و با حالامره به خلوص رسید و از جانب نمادگرایی و فروانگرایان فروانگرایان اقتباسی شد، جست‌وجوی



اجرای تعزیه

«پربانی مجالس تعزیه به مناسبت ایام سوگواری سالار شهیدان»

«مرکز هنرهای نمایشی» حوزه هنری به مناسبت ایام شهادت سالار شهیدان «حضرت ابوالفضل الحسین» مراسم تعزیه برپا داشته است. به گزارش روابط عمومی حوزه هنری، برنامه‌های این مرکز از شب سوم محرم با تعزیه شهادت «دو طفلان مسلم (ع)» آغاز شده است. این مراسم در شب هفتم محرم - چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت، با تعزیه شهادت «مسلم ابن عقیل (ع)» در مجتمع فرهنگی فجر از ساعت ۱۸ و در دولت آباد از ساعت ۲۲ ادامه می‌یابد.

همچنین، مراسم تعزیه «دو طفلان مسلم (ع)» روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه در مجتمع فرهنگی فجر از ساعت ۱۸ و تعزیه «دو طفلان مسلم (ع)» از شب هفتم محرم - چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت، با تعزیه شهادت «مسلم ابن عقیل (ع)» در مجتمع فرهنگی فجر از ساعت ۱۸ و در دولت آباد از ساعت ۲۲ در دولت آباد برپا می‌شود.

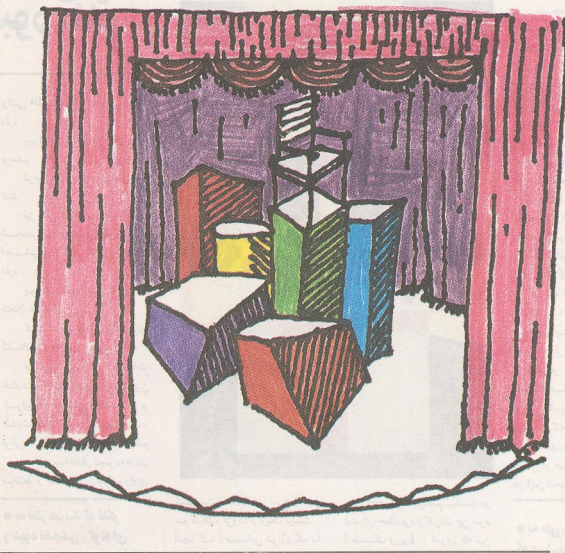
همچنین گزارش می‌افزاید: روز جمعه ۲۶ اردیبهشت ماه - تعزیه شهادت «دو طفلان مسلم (ع)» از شب هفتم محرم - چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت، با تعزیه شهادت «حضرت عباس (ع)» در دولت آباد از ساعت ۱۰ شب برگزار می‌شود.

در فرهنگسرای اندیشه

به مناسبت ماه محرم و ایام سوگواری سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (ع) در فرهنگسرای اندیشه مراسم تعزیه بر گزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای اندیشه، این مراسم از ۱۸ لغایت ۲۷ اردیبهشت ماه از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در فضای باز فرهنگسرای اجرا می‌شود.

شایان ذکر است سرپرستی گروه تعزیه به عهده آقای فیاض می‌باشد و علاقه‌مندان جهت شرکت در این مراسم مذهبی و زنده کردن یاد و خاطرهٔ عاشورای حسینی می‌توانند به فرهنگسرای اندیشه واقع در خیابان شیروزی، رسیده به پل خندان، مقابل باشگاه پیام مراجعه نمایند. □



● **تأثیر بودلر بویژه در آرتور رمبو می‌جوان آشکار شد، که در فاصلهٔ ستین ساله‌اش تا بیست و یک سالگی، برخی از درخشانترین اشعار فرانسه قرن نوزدهم را سرود. رمبو پس از پنج سال تعلق خاطر و دوستی افراطی با پل ورلن و زندگی در فقر، بیماری و ناکامی، ناگهان نابینا شد و دیگر حتی یک سطر شعر سرود.**

● **بودلر تأثیر مستقیم بر تئاتر نگذاشت، اما آثار و نظریه‌هایش همچون خلاصه راهنمایی بر آوانگاردهای بعدی مؤثر افتاد و بتدریج مورد استفاده قرار گرفت. جست‌وجوی بودلر در «کلام صائب» یا «سخن عادل» و شیوهٔ پدید کلمات و آسمانه‌سازیها، اصرار در این‌که زیبایی و «شرف» جدایی‌ناپذیرند، و نیز این‌که بیان شعر را تجربه‌های محسوس تشکیل می‌دهد. همچون مهری بر آذهان و الحان هنرمندان آینده ماندگار شد.**

کلمات خود اسطرلابه، و هستند: بیش از اشیاء یا توهم از اشیاء، کلمات حقیقت دارند، و نه آن چیزها که وصف می‌کنند. برای خلق شعر، از این رود باید کلمات را نظمی دوباره بخشید، با کلمات طرحی در انداختن تا صیغه‌های دیگر از رنگ اسطرلابی خود را بیاز نمایند. رمبو و سوررئالیستها و شاعران نوین از این پس برای توصیف تجربه‌هایشان نخواهند کوشید... چیزی که آنها را جذب کند، شهر فرنگی از مناظر حیات خواهد بود و ماهیانی تازه از علائم، و نیز ترکیب ناشظری که می‌تواند نوری تازه و سایه‌هایی تازه از زندگی را بتابد، بی آنکه بکوشد آن را کشف کند. □

جست‌وجوی رمبو برای یافتن معنای زبان، که ابتدا با بودلر شروع شد (هرچند شاعران پیش از او هم به این مسئله اندیشیده بودند) و با حالامره به خلوص رسید و از جانب نمادگرایی و فروانگرایان فروانگرایان اقتباسی شد، جست‌وجوی

فصلنامه سوره ویژه تئاتر به زودی منتشر می‌شود.

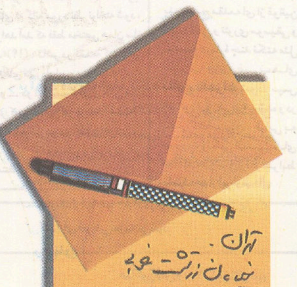
1. Ibid, p.125
2. Wallace Fowlie, Age of Surrealism (Indiana University, 1960). P.53

از پشت پرده مهر

سخنی با خوانندگان

اگر اعضا تحریریه مهر، متعهد شوند که در تمویل مطالب بسبقفولسی نکنند، اگر حروفچینی های مجله سهمی کنند مطالب را بی غلط اثر حروفچینی نکنند، اگر گرافیک ما به موقع طرحها را سفارش دهد و بموقع سلسله رالی آت کند، اگر نزدیکترین کیوسک مجله مهر را بخرد و یا از طریق مشترک شدن مشکل نشود و مسئولان کار تمام مستی ها را درست مطابق دستور رنگ طرح مونتاژ کند، اگر دستگاه چاپ دو روی خراب نشود و چاپچی، توی دستگاه

در جواب نامه های شما



آقای...
نسخه از دست خودی
نسخه از دست خودی
گزینه ۱۴۱۵۷

آقای کورش علیانی از هیرواژری از تهران

چندسال پیش، وقتی دو کودک انگلیسی کودک دوساله ای را در دیدند و کشند، فقط برای اینکه کسی تفریح کرده باشند. وقت، وقت مبارکی بود؛ می شد وقت مبارکی باشد. اگر ... که شد.

... هیچ کسی نبود که بفهمد مصیبت، شتری است که بالاخره از راه می رسد. از آثار آخر زمان شده که شتر مسیبت از دروازه فرسودگامی در انگلیس - هیرواژری - وارد شد. ما شتر را نکشیم، حتی نگاه می هم نکردیم. می کردیم - بی این که نگاهش کنیم - شیش را پیدایشیم. بانگ زدید: آنک غریب! بنگرید. کودکان قاتل، تحفه گریند و قرب اهل فساد و رویه مروت، پس ببایید! مرگ زودرس غریب را جشن بگیریم و کسی هم به حال فریبان بختیم. اما ... نلند که شد ...

خلم شادی ایرانی خانی از هیرواژری

از اظهار لطف شما نسبت به هفت نامه سپاسگزاریم مطلب ارسانی شما درباره تهاج فرهنگی در ایران ما به نظر ما بسیار استعجاب و اشتیاق به نگارش درآمده بود و دست ما رسید.

نداریم و ... الان شماره چهارم مهر را مطالعه می فرمائید. بعضی از شما احاطاً به کتاب من نان می گوید: می بینی روی چه کاذبی چاپ کرده اند؟ یا این همه عکس و رنگ و ریختش؟ آدم با بودجه بیت المال مجله دربیاره همینه ... و از احتیاجا کنار دست نشما هم از پشت عینک نگاه می کنی و اضافه می کنی: حوزره افتاده توی کار تجارت، می بینی چقدر آگهی زدن. مطالب مجله بد نیست اما این آگهی ها خیلی اذیت می کنه و ... نمی دلم آیا واقعا باید به مسائل و موارد اینجینتی جواب داد یا نه. مستوالین بعضی مجله ها سعی

مطالعه دقیق چند شماره از هفت نامه شما را با سبک و سیاق مطالب چاپ شده و نشر مربوط به آن آشنا خواهد شد. با عنایت به این موضوع منظر آثار دیگری از شما هستیم. برپده ای از مقاله پشت به سرداب، رویه دریا را با سهم می خوانیم.

کتاب خود را درپایم! وقتی می شود به کوهها تکیه زد و معنی اعتماد و امنیت و درایت، وقتی می شود به صلابت قلمها انشخار کرد چرا به ساقه های بی جان تیزوار چه چنگ بزنیم؟ وقتی لیس گرانهای ترمه سبز جنگلها را داریم، نیامهای لجن تپوش قامت ما نیست ...

آقای محسن معشقی نیک از تهران

سرگ آگاهی از لوازم مسلمان است و مطلب ارسانی شما با عنوان تاثیر مرگ بر روی کودکان؟ بیشتر حول و حوش همین مضبوط است، مقاله شما به دلیل اهمیت موضوع نیازمند تحقیق و تدقیق و بیشتر پرداختن بهتتر است. مطالعه کتابها و مقالاتی که در این زمینه به چاپ رسیده است شما را در حجه بیشتر پروا اندن موضوع پاری خواهد کرد.

آقای امیر کلتوری از شیراز

دوست عزیز، همان طور که دوست عزیز من چون شما نیز دهمه را از آن خود می دانید بسیار خوشحالم. اما دوست من که قیمت هفت نامه را اسپار مناسب می سازد، چنانکه در شعرهای شما این اتفاق افتاده است. مطالعه اشعار نغز و پرمغز و متقدیم نیز آثار شاعران معاصر و نیز تمین شعر کلاسیک، کرده ای؟ آنچه گفتنی است اینکه نکرده ای؟ کودکان خردسال و گران کاذب و زینک و ... شیلیات، چون خود است که در شریانهای اقتصادی مطبوعات جریان می یابد و در حقیقت سهم عمده ای از ارزانی هفت نامه در ضمن تشکر از توجه شما

می کنند به جای سرمقاله و اعلام موضع، علت کار شدن ما، کولر تأخیر مجله و قطع سهمیه فیلم و زینک و ... را به اطلاع خوانندگان می رسانی. این نوع اطلاع رسانی، اصولاً بصورت خوشی ندارد، اما به حال اگر خوانندگان هر نشریه در کم و کیف انتشار آن نشریه قرار بگیرند، رابطه بهتری بین آنها پیش خواهد آمد. درست یا غلط ما نیز به این سبب تن می دهیم و به خوانندگان محترم عرض می کنیم که سفیدی کاذب یکی دو شماره اخیر چشم ما را هم اذیت می کنه و ... ولی برخلاف آنچه معمولاً تصور می شود، انتخاب این کاذب دلیل ولوکسن شدن هفت نامه نیست. پتا به مشکلات

نسیبت به هفت نامه، در غزل ارسانی شما بسیار ستوان بروز انتظار؟ وزن رعایت نشده بود. انشخار تسلط یافتن بر وزن عروضی مطالعه پیگیر غزلیات فارسی و حفظ شماری از آثار را به شما توصیه می کنیم. موفق باشید.

خانم پروین سی روز از تهران

... رفیق مارم که هر وقت فرصت می یابم شما را کار می گیرم: آقا شما نمی داند! جامعه باز یعنی چه؟ شما از فریاد می داید: چرا به جامه باز چه امکانهایی در آدم می دهد و نفس علی هذا ... دیشب استاد را زیارت کردیم. ساکت بود. حرفی نمی زد. گفتیم استاد! میاد آنکه زبان برده به کتبی نشینی. چه شد درباره جامعه باز و فریاد و مزایای چیزی گوئی. گفت وارد دست به دلم ننگار. این مجله مهر پاک سیم هالم را قاطی اطمن کرده اند که استاد نصیری هم از جامعه باز فرط لداری می کند. من مانده ام حوران. می گویم نکند آخر الزمان است. استاد نصیری و این حرفها، این بزرگوار هم یعنی هوس کرده است که جامعه باز را امتحان کند؟

آقای آرش سروج السیری از مشهد

مخاطبین پرشور و هوشمند با هفت نامه مهره باعث افتخار ماست. منظر آثار ارسانی شما هستیم.

م - ابراهیم پور از آمل

دوست عزیز، همان طور که دوست عزیز من چون شما نیز دهمه را از آن خود می دانید بسیار خوشحالم. اما دوست من که قیمت هفت نامه را اسپار مناسب می سازد، چنانکه در شعرهای شما این اتفاق افتاده است. مطالعه اشعار نغز و پرمغز و متقدیم نیز آثار شاعران معاصر و نیز تمین شعر کلاسیک، کرده ای؟ آنچه گفتنی است اینکه نکرده ای؟ کودکان خردسال و گران کاذب و زینک و ... شیلیات، چون خود است که در شریانهای اقتصادی مطبوعات جریان می یابد و در حقیقت سهم عمده ای از ارزانی هفت نامه در ضمن تشکر از توجه شما

آقای امیر کلتوری از شیراز

دوست عزیز، همان طور که دوست عزیز من چون شما نیز دهمه را از آن خود می دانید بسیار خوشحالم. اما دوست من که قیمت هفت نامه را اسپار مناسب می سازد، چنانکه در شعرهای شما این اتفاق افتاده است. مطالعه اشعار نغز و پرمغز و متقدیم نیز آثار شاعران معاصر و نیز تمین شعر کلاسیک، کرده ای؟ آنچه گفتنی است اینکه نکرده ای؟ کودکان خردسال و گران کاذب و زینک و ... شیلیات، چون خود است که در شریانهای اقتصادی مطبوعات جریان می یابد و در حقیقت سهم عمده ای از ارزانی هفت نامه در ضمن تشکر از توجه شما

آقای معتمد آله فلسکی از مشهد

ضمین تشکر از توجه شما

قصه محله ما

نارالله احمدجو



معروف تولیدات داخلی و چه و چه ... می خواست سرم را بکوم به دیوار که ناگهان متوجه شدم عیان ممکن است زیادتی خوشحالی کند، متصرف شدم. پس را بروم و پتا تفریق فرنگی ۱۱۵۰ تومان ...

خ - س از تهران

... رفیق مارم که هر وقت فرصت می یابم شما را کار می گیرم: آقا شما نمی داند! جامعه باز یعنی چه؟ شما از فریاد می داید: چرا به جامه باز چه امکانهایی در آدم می دهد و نفس علی هذا ... دیشب استاد را زیارت کردیم. ساکت بود. حرفی نمی زد. گفتیم استاد! میاد آنکه زبان برده به کتبی نشینی. چه شد درباره جامعه باز و فریاد و مزایای چیزی گوئی. گفت وارد دست به دلم ننگار. این مجله مهر پاک سیم هالم را قاطی اطمن کرده اند که استاد نصیری هم از جامعه باز فرط لداری می کند. من مانده ام حوران. می گویم نکند آخر الزمان است. استاد نصیری و این حرفها، این بزرگوار هم یعنی هوس کرده است که جامعه باز را امتحان کند؟

آقای آرش سروج السیری از مشهد

مخاطبین پرشور و هوشمند با هفت نامه مهره باعث افتخار ماست. منظر آثار ارسانی شما هستیم.

م - ابراهیم پور از آمل

دوست عزیز، همان طور که دوست عزیز من چون شما نیز دهمه را از آن خود می دانید بسیار خوشحالم. اما دوست من که قیمت هفت نامه را اسپار مناسب می سازد، چنانکه در شعرهای شما این اتفاق افتاده است. مطالعه اشعار نغز و پرمغز و متقدیم نیز آثار شاعران معاصر و نیز تمین شعر کلاسیک، کرده ای؟ آنچه گفتنی است اینکه نکرده ای؟ کودکان خردسال و گران کاذب و زینک و ... شیلیات، چون خود است که در شریانهای اقتصادی مطبوعات جریان می یابد و در حقیقت سهم عمده ای از ارزانی هفت نامه در ضمن تشکر از توجه شما

آقای امیر کلتوری از شیراز

دوست عزیز، همان طور که دوست عزیز من چون شما نیز دهمه را از آن خود می دانید بسیار خوشحالم. اما دوست من که قیمت هفت نامه را اسپار مناسب می سازد، چنانکه در شعرهای شما این اتفاق افتاده است. مطالعه اشعار نغز و پرمغز و متقدیم نیز آثار شاعران معاصر و نیز تمین شعر کلاسیک، کرده ای؟ آنچه گفتنی است اینکه نکرده ای؟ کودکان خردسال و گران کاذب و زینک و ... شیلیات، چون خود است که در شریانهای اقتصادی مطبوعات جریان می یابد و در حقیقت سهم عمده ای از ارزانی هفت نامه در ضمن تشکر از توجه شما

آقای معتمد آله فلسکی از مشهد

ضمین تشکر از توجه شما

کار دیگر؟ ولگرد محله ما، عاشق سینماست و چند بار تزیک بوده، شارسا سر این کار بگذارد. پسر پرویز، اوقات بهلان را تلخ کرده بود، آمد، دعایشا پهر

خون بود. او را برداشتم، بردم پیش می دظ. اینکه چطور یکی برای محله دردم درست می کند. اینکه چطور یکی امروزه از آب دردی آید. اینکه چطور یکی شغل عوض می کند. اینکه چطور یکی عاشق چیزهای به درد نخور می شود: منتقدی آشتی است با فیلمسازی با

آقای آرش سروج السیری از مشهد

مخاطبین پرشور و هوشمند با هفت نامه مهره باعث افتخار ماست. منظر آثار ارسانی شما هستیم.

م - ابراهیم پور از آمل

دوست عزیز، همان طور که دوست عزیز من چون شما نیز دهمه را از آن خود می دانید بسیار خوشحالم. اما دوست من که قیمت هفت نامه را اسپار مناسب می سازد، چنانکه در شعرهای شما این اتفاق افتاده است. مطالعه اشعار نغز و پرمغز و متقدیم نیز آثار شاعران معاصر و نیز تمین شعر کلاسیک، کرده ای؟ آنچه گفتنی است اینکه نکرده ای؟ کودکان خردسال و گران کاذب و زینک و ... شیلیات، چون خود است که در شریانهای اقتصادی مطبوعات جریان می یابد و در حقیقت سهم عمده ای از ارزانی هفت نامه در ضمن تشکر از توجه شما

آقای امیر کلتوری از شیراز

دوست عزیز، همان طور که دوست عزیز من چون شما نیز دهمه را از آن خود می دانید بسیار خوشحالم. اما دوست من که قیمت هفت نامه را اسپار مناسب می سازد، چنانکه در شعرهای شما این اتفاق افتاده است. مطالعه اشعار نغز و پرمغز و متقدیم نیز آثار شاعران معاصر و نیز تمین شعر کلاسیک، کرده ای؟ آنچه گفتنی است اینکه نکرده ای؟ کودکان خردسال و گران کاذب و زینک و ... شیلیات، چون خود است که در شریانهای اقتصادی مطبوعات جریان می یابد و در حقیقت سهم عمده ای از ارزانی هفت نامه در ضمن تشکر از توجه شما

آقای معتمد آله فلسکی از مشهد

ضمین تشکر از توجه شما



اندر حکایت دهن لقی

این فایده که متوالفکرشان خوانند، به شیخ مرقعه فرستادند که: «آن جناب دانش که بیانات و حریت باید و این آرزو را اقیان، بری گوشیده برای آن گاه شرت مرگ توشیده اند. حالیا ما نیز چنین خواهیم و چنان باشیم و نیک باشد، اگر شیخ زینکته ای فرماید.»

آقای آرش سروج السیری از مشهد

مخاطبین پرشور و هوشمند با هفت نامه مهره باعث افتخار ماست. منظر آثار ارسانی شما هستیم.

م - ابراهیم پور از آمل

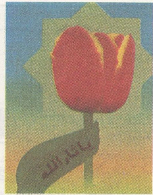
دوست عزیز، همان طور که دوست عزیز من چون شما نیز دهمه را از آن خود می دانید بسیار خوشحالم. اما دوست من که قیمت هفت نامه را اسپار مناسب می سازد، چنانکه در شعرهای شما این اتفاق افتاده است. مطالعه اشعار نغز و پرمغز و متقدیم نیز آثار شاعران معاصر و نیز تمین شعر کلاسیک، کرده ای؟ آنچه گفتنی است اینکه نکرده ای؟ کودکان خردسال و گران کاذب و زینک و ... شیلیات، چون خود است که در شریانهای اقتصادی مطبوعات جریان می یابد و در حقیقت سهم عمده ای از ارزانی هفت نامه در ضمن تشکر از توجه شما

آقای امیر کلتوری از شیراز

دوست عزیز، همان طور که دوست عزیز من چون شما نیز دهمه را از آن خود می دانید بسیار خوشحالم. اما دوست من که قیمت هفت نامه را اسپار مناسب می سازد، چنانکه در شعرهای شما این اتفاق افتاده است. مطالعه اشعار نغز و پرمغز و متقدیم نیز آثار شاعران معاصر و نیز تمین شعر کلاسیک، کرده ای؟ آنچه گفتنی است اینکه نکرده ای؟ کودکان خردسال و گران کاذب و زینک و ... شیلیات، چون خود است که در شریانهای اقتصادی مطبوعات جریان می یابد و در حقیقت سهم عمده ای از ارزانی هفت نامه در ضمن تشکر از توجه شما

آقای معتمد آله فلسکی از مشهد

ضمین تشکر از توجه شما



کسی صدای خرد شدن استخوانهایش را نشنید

سینا واحد

اشادو دوست داند تا تو فشان را از زنیس جمهور آینه در قالب یک مقاله کوتاه در اختیار هفته نامه قرار دهند.

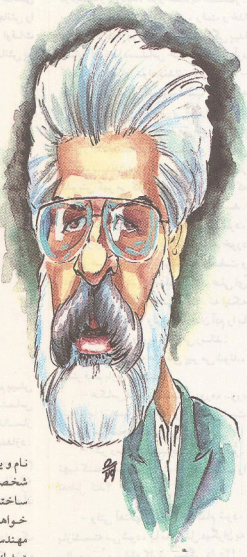
با ضبط پنج هزار ساعت مصاحبه از افغان کتب تاریخی شناسایی

چاپ می رسد

تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به صورت مجموعه ای از کتب در دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری در مرحله تدوین است. گزارش روابط عمومی حوزه هنری، «دفتر ادبیات انقلاب اسلامی» تاکنون ۱۱ جلد کتاب از مجموعه خاطره های جمع آوری شده از رهبران و مردم ران تهیه و به چاپ رسانده است و نه جلد کتاب دیگر را نیز از این مجموعه در دست چاپ دارد. در این دفتر، خاطره های افراد

در ارتباط با انقلاب اسلامی ضبط شده و پس از تدوین، به چاپ می رسد. تدوین چاپ این مجموعه ها در سه قالب خاطره های مستقل افراد، خاطره های چند فرد در یک مجموعه و خاطره های موضوعی است. همین گزارش می فرماید: «تاکنون در حدود ۲۳۰ ساعت خاطره از افراد مختلف در دفتر ادبیات انقلاب اسلامی آماده شده است و انتظار می رود حجم این خاطره ها تا پنج هزار ساعت نیز افزایش یابد.»

گفتنی است، مجموعه این خاطره ها به عنوان یک سند تاریخی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و گامی مؤثر در جهت خوداتکایی فرهنگی است.



کتابخانه و اظهار داشتند که «ببینید! این است مظهر توسعه، پیشرفت و قدرت و اقتدار... و بعد، تیریک و شادباز و پسندانه، تولیدکنندگان فرهنگ» که ادبیات و هنر و فرهنگ انقلاب را خلق کردند و با خلاقیتها و آفرینشهای فرهنگی انقلاب، فضای زندگی مین و جامعه محض سازندگی را از ساختار عاطفی و تاریخی مستقل و مقدر و برخوردار نمودند. اقتدار عاطفی فضلی فرهنگی و زندگی عمومی را شکل دادند، جهت دار کردند و گذشته و آینده آن را متعلق به هم متصل ساختند و یک کل کلام، به مین و ایران انقلابی، شخصیت فرهنگی مستقل ساختند. چه پاسخی می دهند یا چگونه پاسخ خواهند داد که رنگشان در کنار مدال قاب گرفته به هم نریزد و مسایلتان به رنگ عصیانیت درنیاید؟

اگر فرزندانشان که در سایه شمارها و سخنهای آفسون گرانه توسعه فولادی و سیمانی و پیویری رشد کردند و دیدند که

خلاقیتها و تولیدات فرهنگی خویش، «عاطفه یک ملت» را به زندگی، تکاپو، تکامل و اقتدار دعوت می کنند و تحویل جامعه را با مهندسی کلمات شکل می بخشند و تاریخشان را و عناصر ساخت و ساز ذهنی و حسی شان را، گذشته و آینده شان را و ملیت، وحدت و اقتدار عاطفی شان را و موسیقی نگاه مین و فضای زندگی و نفس کشیدنشان را و عشق و نفرت روزیشانان را سامان می دهند تا واقعیتی به نامهای «ملت»، «میهن»، «ایران» و از اقامت ملموس و ناپیدا به بیاید و از اقامت تجلی جمعی و تاریخی اسم «موت» برخوردار شود.

جناب آقای رئیس جمهور آینده! اقتدار عاطفی، حقیقی و تاریخ ملت عزیز ایران در برتو و در سایه فرآیند پادمان نابهر آفرینش و خلق و خلاقیت و تولید انبوه «مهندسی کلمات و ادب و هنر و فرهنگ» حیات می یابد و به زندگی جهانی خویش تداوم می بخشد. بنابراین، زیربنای توسعه و سازندگی و پیشرفت مادی و معنوی، «سازه های عاطفی و ارتباطی» است؛ سازه هایی که انحصار تولید و توانایی تولید «ملت» هستند و رفتی خلاف عهد مهندس مسلم ها و مهندس میرشاکلا ها و مهندس عزیزی ها و صدها مهندس کلمات دیگر این ملک و جغرافیا و تاریخ است. خواسته و خواهش و توقوم از رئیس جمهور محترم و برگزیده آینده را یا سراجت، چنین اعلام می دارم:

شان؛ جایگاه و نقش ملی «مهندسی کلمات و هنر و فرهنگ» را بشناسید و حرمت مادی و معنوی آنان را پاس بدارید و غفلت گذشته را تکرار نکنید. همچنین امام سجاد(ج)، تولید گفت انگیز مهندس کلمات، فرزد، این همام سازه ساز و عاطفه آفرین دوران ستم پنی امیه را پاس داشت و حرمت گذارد و هدیه گرانگس دوازده هزار درمی را با یک میلیون دلار امروزی می شود به او تقدیم کرد تا مهندس کلمات و فرهنگ را، ارجند و تولید ویژه همه زمانها و بشناسد و نیز به روسای جمهوری که یاد و نام خاطره و ستنش را مقدس می نهند، پیاموراند که چگونه باید حرمت اهل قلم و فرهنگ یا «مهندسی کلمات» را نگه داشت

مشاغل جهان بشری است، و به همین خاطر در هر صد میلیون نفر، هزار «مهندس فرهنگ» به زحمت دیده می شود و همین هزار «مهندس هستند که با آفرینشها،



به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی

«آبگینه» کار تازه ای است از صدیق نعلیوسف گروه همخوانان در دستگاه «همایون» که «تمام شادبهای پیر» شده تقسیم شده است. این مجموعه، توسط مؤسسه «همایون» منتشر شده و نام آن نیز برگرفته از بیت از سعدی است: «لشم شکستی و رفتی خلاف عهد موت شکستی»

به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی» در این نوار، چهار تصنیف می شنوم که در قالب تو اجرایی شوند و حس و رنگ قدیمی نلارد. اجلوب گل یک ترانه قدیمی و «نیا» که به آخر آن قطعه ای

اضافه شده و ابتکار آقای تعریف است. در روی دوم نوار، ترانه «افسانه» را می شنوم که کاملاً بر اساس ردیف است؛ یعنی همان گوشه «لیلی» و «مجنون» است. اگرچه اجرای آوازی آن، حس بهتری را می توانه القا کند. در آخر نیز ترانه «کتاب» بر مبنای ملودی کردی اجرا شده است.

در میان ترانه ها، آوازهایی هم خوانده شده؛ از جمله «شوشری» و «بیداده» که از زیباترین قطعات «همایون» و ردیف آوازی ایران هستند. اما شایسته فرآیند «همایون» به استواری درخورد و شایسته اش خواننده نمی شود و روی این شونده، اثر مطلوب را در نمی گذارد. چرا که بهترین نقش را در اجرا بر آری، درآوردن دستگاه، سازی می کند.

شعاری که خواننده می شنود؛ است که سواد تئوریک معناری در حد خوب و قابل قبول دارند و صادقانه برای موسیقی زحمت می کنند. برای این کتاب کم ورق نیز زحمت زیادی کشیده شده، هر چند که عنوان آن مخوش است. اولاً بر خلاف عنوان روی جلد، کتاب تنها مخصوص آثار مرحوم عارف نیست، بلکه آثاری از نوزده تنه است(۱۹). ناشر در مقدمه کتاب نیز مدعی است که «آقای مهران امین صلاحیت انجام این کار را داشته و ... در این باب نوآوری های شده که تا به حال کمتر کسی به امر پرداخته است.»

میدان افکنده اند و باید بازنده علمی و کاربردی این کتاب پرتو و منتظر باشیم. □

آهنگهای اصیل ایرانی

□ آهنگهای اصیل ایرانی (جلد دوم): آثار عارف فریونی، برای ارگ، پیانو، تار، سه تار، سنتور، آواز، فلوت، کلاریت، ترومپت و ساکسیفون. نگارش و تصنیف: مهران امین، تهران، انتشارات پارت، چاپ اول: ۱۳۷۵، ۵۳۰۰ جلد، ۵۰۰۰ ریال، ۷۵ صفحه.

چند کتاب از مهران امین دیده ام، خود او، مؤلفی نابدا و منزوی است. نه شرح احوالی دارد و نه مصاحبه ای و شاید همین بهتر است. زیرا فقط آثارش است که می تواند بایلد مورد نقد و نظر قرار بگیرد. از مهارت عملی آقای امین چیزی نمی دانم، ولی از تألیفاتشان تا همین حد معلوم است که سواد تئوریک معناری در حد خوب و قابل قبول دارند و صادقانه برای موسیقی زحمت می کنند. برای این کتاب کم ورق نیز زحمت زیادی کشیده شده، هر چند که عنوان آن مخوش است. اولاً بر خلاف عنوان روی جلد، کتاب تنها مخصوص آثار مرحوم عارف نیست، بلکه آثاری از نوزده تنه است(۱۹). ناشر در مقدمه کتاب نیز مدعی است که «آقای مهران امین صلاحیت انجام این کار را داشته و ... در این باب نوآوری های شده که تا به حال کمتر کسی به امر پرداخته است.»

میدان افکنده اند و باید بازنده علمی و کاربردی این کتاب پرتو و منتظر باشیم. □



دستور ستور • پرویز مشکاتیان • نشر آریون، ۹۲ صفحه، ۱۰۰۰ تومان این کتاب راهنمای آموزش نوازندگی سنتور است که بر اساس شیوه و سبک پرویز مشکاتیان برای هنرجویان این بدون هیچ مقدمه ای از قوانین نت نویسی و تئوری موسیقی و توضیح درباره چند نکته مثل میزبان، وزن و ضرب های مختلف آغاز می شود. سپس ۵۹ نود آموزش ارائه شده و در پایان کتاب نمودارهایی به صورت رنگی نسبت به مختلف فواصل را در شرایط مختلف نشان می دهد. □

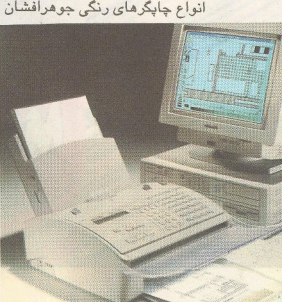
آسایش و اطمینان در مجموعه سینماهای مجتمع خدمات سینمایی حوزه هنری با بیمه ایران

گروه تبلیغات بهمن تهران - خیابان ولیعصر، نبش سینما استقلال، کوچه فرشید، پلاک ۲ تلفن: ۲۵۰۸۹۷۰ - ۸۹۷۰۸۹۶۴۲۲ فاکس: ۸۹۸۰۷۹۹



مرکز ماشینهای اداری و آموزشی پیشرو

نماینده انحصاری سیستمهای اداری الیوتی در ایران و سازنده انواع کامپیوترهای سازگار با IBM

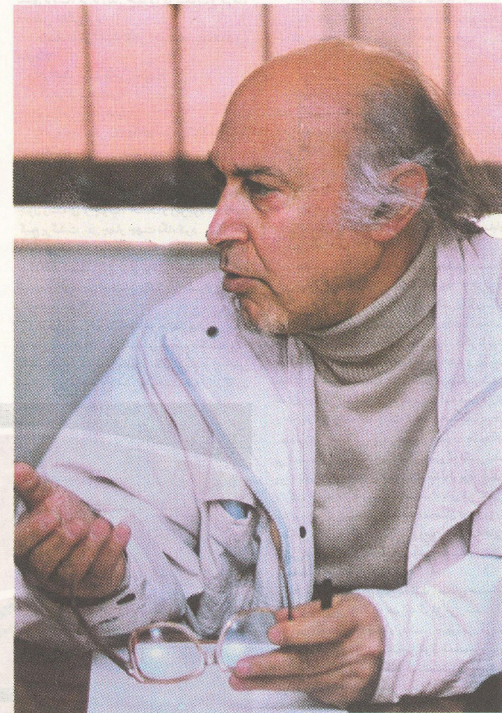


فکس پرینتر الیوتی (فکس، پرینتر، فتوکپی و اسکنر)



تهران - خیابان شریعتی، پاهین ترانزپارسیان شماره ۲۹۹ تلفن: ۰۲۰۲۲۹۲۰۳ - ۷۵۲۸۲۲۱۱۱ فکس: ۷۵۰۲۲۹۲۰

آمیخته ای از دو موسیقی



گفت و گو با فرهنگ‌دخترالدینی

مطرح است. اینکه شخصی برای رسیدن به یک مقصود مثالی، فداکاری و ایثار و برای دستیابی به این هدف، عزم و ارادهٔ محکمی را لحاظ می‌کند. چنین چیزهایی با موسیقی حماسی قابل ترصیف اند و قطعاً در شاهنامه این حالات را زیاد پیدا می‌کنیم که بخشی از موسیقی حماسی و فولکلوریک ما را تشکیل می‌دهد.

■ در بین کارهای خودتان آیا اثری دارید که در قالب موسیقی حماسی ارائه شده باشد؟

□ بله - به نظر من زندگی امام علی و امام حسین (ع) توأم با حماسه بود و در سریال امام علی (ع) موسیقی مالک اشتر که در واقع بعد جنگجوی و حماسی امام علی (ع) را نشان می‌دهد می‌تواند نوعی

■ تا یه حال دو تقسیمات - رسیفیت خودمان نوعی از نوعی به نام موسیقی حماسی پیدا نکردم. بیشتر نوعی کشور ما در سه دسته مذهبی، رزمی و بزنی تاقی می‌گیرند.

■ فکر کنم موسیقی حماسی آمیخته‌ای از دو نوع موسیقی مذهبی و رزمی باشد.

■ در بردن امام علی (ع) موسیقی مالک اشتر که در واقع بند جنگجوی و حماسی امام علی (ع) را نشان می‌دهد، نمی‌تواند نوعی موسیقی حماسی به حساب آید.

■ عزم و اراده که در ضربانگها ها به چشم می‌آید، عزم وجود رخت و سستی و نیز فاصله مناسب‌تیا برای حرکت و پیشرفت از جمله عوامل کلیدی موسیقی حماسی به شمار می‌آید.

■ در موسیقی سربازان که یلگ کار هست، س. اسد، رنیم اهمیت زیادی دارد و از صدای جلوسر است. در حالی که در موسیقی عرفانی ترکیب اصوات پر رنم‌ها اولویت دارد.

■ ما هرگز در نوعی به زبانی نخواهیم رسید که بتوانیم مضمونی را بیان کنیم.

■ ما برای شنیدن یلگ اثر نوعی به دنبال لذت از آن هستیم. نه کشف انگیزه‌های آن

از دو موسیقی مذهبی و رزمی باشد. طبیعتاً وقتی ما نوع موسیقی اطلاع می‌شود و آیا اصلاً موسیقی بی تحت این عنوان داریم؟
□ عرض کنم من تا بحال در تقسیمات موسیقی خودمان، نوعی از موسیقی به نام موسیقی حماسی پیدا نکردم. و این تقسیمات شامل ۳ دسته ۱- موسیقی مذهبی ۲- موسیقی رزمی و ۳- موسیقی بزنی می‌شود. فکر کنم موسیقی حماسی آمیخته‌ای

شبکه‌های مخفی

□ البته موسیقی حماسی یک سری مشخصه دارد که تا اندازه‌ای خودش را معرفی می‌کند. عزم و اراده‌ای است که در ضربانگ آن موسیقی به چشم می‌خورد و طبیعتاً موسیقی دارای جوش‌هایی است که نشان‌دهندهٔ عزم و ارادهٔ موجود می‌باشد. دیگر اینکه رخت و سستی وجود ندارد. و یا فاصلهٔ تنها معمولاً برای حرکت و پیشرفت مناسب است. مثلاً همانطور که در سؤال قبلی گفتیم، در موسیقی سربازان که یک کار حماسی است، ریتم اهمیت زیادی دارد و از صدا جلوسر است. در حالی که فرضاً در موسیقی عرفانی ترکیب اصوات بر ریتم‌ها اولویت دارد. در موسیقی حماسی ضربانگ موسیقی با حرکات جنگاوران متناسب است. مثلاً جنگجوی شاهنامه را می‌توانیم مجسم کنیم که ریتم آن خیلی مصمم است. فردوسی در داستان رستم و سهراب می‌گوید: یکی داستان است پرآب چشم... ضربانگ این شعر مسلماً نه عم دارد و نه حالت نرمی. بلکه کلاً حماسه را متجلی می‌کند. یعنی در وزن متقارب «فعلون فعلون فعلون»، هجاهای کوتاه و بلند، چنان یکی می‌شوند که ضربه‌های

ساری مثل کوبیدن مشت را یادآوری می‌کنند. طبیعتاً اگر ما بر روی چنین شعر و داستانی موسیقی بسازیم، نمی‌توانیم از ضربانگ آن صرف‌نظر کنیم و اگر آهنگساز در این موسیقی صحنه‌های توصیفی فردوسی را به زبان موسیقی بیان کند، موفق خواهد بود. (البته متداوله این نیست که حتماً از خواننده استفاده کنیم، بلکه تأثیرپذیری از شعر مد نظرم است.)

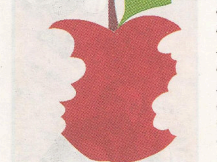
■ ما با حماسه‌های مختلفی در غرب و شرق رویه‌رو هستیم. با این همه چندگانگی در حماسه، آهنگساز چگونه حماسه‌ای را بیان می‌کند؟ (حماسه ملی، مصنوع، تاریخی، اساطیری و...)

□ به نظر من موسیقی یک هنر انتزاعی است. یعنی شنونده، بسته به میزان دریافت و وسیع خودش از آن می‌گیرد. وقتی صحبت از جنگ و مبارزه است، زبان موسیقی بیان آنها یا ذهنیتی که آهنگساز از آن پیدا می‌کند، در نظر آهنگسازان متفاوت، یکسان نیست. در هر حال مسایل جنگجویی و از خودگذشتگی می‌توانند حماسه باشند و حماسه‌آفرین باشند.

■ بدلیل همان غیرمفهومی بودن موسیقی، فکر نمی‌کنید اثر یک پیش‌زمینه برای شنونده است؟
□ بله - مثلاً «منازلین‌های شگفت‌انگیز» اثر بارتوک، یک عصبان است و آهنگساز در بیان آن خیلی موفق است. طبیعتاً اگر اسم آن را ندانیم، برداشت‌ها متفاوت خواهد بود. ما هرگز با موسیقی به زبانی نخواهیم رسید که بتوانیم مفهومی را بیان کنیم. پس بهتر است زیاد موشکافی نکنیم، چون ما برای شنیدن یک اثر موسیقی بدنبال لذت از آن هستیم، نه کشف انگیزه‌های آن. □

آمیخته‌های

شبکه‌های مخفی



اشاره: در هفته گذشته، میزگرد آقایان الف، ب و ج درست در جایی به پایان رسید که دیگر نمی‌شد ادامه داد. منظور همان بحث ازدواج موقت است که از سوی بعضی، طرح چنین بحثی از انبیا آن تبعیض است. البته منکن است به هفته نامه ما هم منعرض شونید که چرا سستون مربوط به آشنیانه مهر را درگیر آشنیانه‌های موقت می‌کنید، اما همه خوب می‌دانیم که این تعرض جایی نیست و کسی حق ندارد برای نظرات شخصی یا احساسات خود، حلال خدا را حرام یا حرام خدا را حلال کند. به هر حال پس از شورو و مشورت به این نتیجه رسیدیم که ادامه مذاکرات دلاورانه‌تر گردد و راه‌پای برسانیم.

الف: من فکر می‌کنم ما بحث ازدواج و تشکیل خانواده را با ازدواج موقت اشتباه گرفته‌ایم. یک جوان که هنوز به حدی نرسیده است تا بتواند مستقلانه سرپرستی خانواده‌ای را عهده‌دار شود یا اصلاً در شرایطی است که نمی‌تواند برایش مقدر نیست، می‌تواند ازدواج موقت کند و خود است یا نگران آن هستیم که میباید جوانمان مبتلا به بیماری‌های روحی و روانی شود، باید بحث ازدواج موقت و روابط درست و شرعی زن و مرد و دختر و پسر را در جامعه خوب بخوانند. یا در هوامی شونید.

ب: همیشه که اینطور نیست. من خود دانشجویی دارم که همزمان در دو جا کار می‌کند، زن و بچه دار است و به لحاظ درسی هم غالباً نمرات الف می‌گیرد. بعضی آدمها توانایی فوق‌العاده‌ای دارند. الف: من منکر نمی‌شوم. عرض می‌کنم بخشی انرژی و توانایی او در میان تپه‌ها موقت است. اگر بحث اطعام خود است یا نگران آن هستیم که میباید جوانمان مبتلا به بیماری‌های روحی و روانی شود، باید بحث ازدواج موقت و روابط درست و شرعی زن و مرد و دختر و پسر را در جامعه خوب بخوانند. یا در هوامی شونید.

حماسه‌های باسین

مطرح کنیم. ب: ولی شاید جامعه هنوز آمادگی آن را نداشته باشد. هر مسئله شرعی را که نباید در جامعه رواج داد. باید به عرف هم نظر کرد. در عرف جامعه ما بحث ازدواج موقت فیراخلاقی است؛ قبیح است. الف: خوب این ایراد حرف جامعه است. این تعلق برای جامعه بسیار است. باید آن را امادها کرد. باید آن را اصلاح کرد. این عرف از کجا آمده و چرا سرمد آن را پذیرفته‌اند، نمی‌دانم، فقط می‌دانم که این باور خطرناک است و متشاه بسیاری از فسادهاست. در جوامع غیردینی که این مسئله منتفی است. آزادی جنسی بی‌بند می‌کند و عرف جامعه شان هم پذیرفته است. در جامعه دینی هم که نمی‌شود در این باره سکوت کرد و همه بدبختی‌ها را به گردن ماهواره و ویلشو و غرب انداخت. شارع مقصد برای رابطه زن و مرد و دختر و پسر حکم صادر کرده است. این عرف باید خود را با احکام شرعی تطبیق بدهد. وگرنه بحران جدی در جامعه پیش می‌آید.

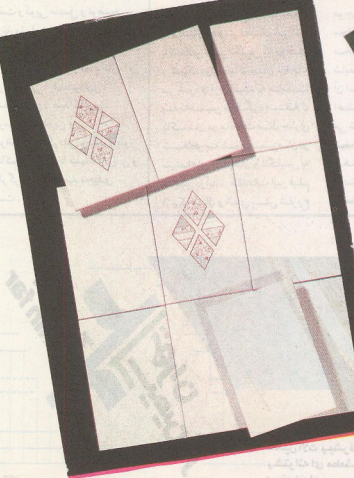
ج: همین الان پیش آمده است. ما به جوان تازه، بالغ شده فقط می‌توانیم بگویم ازدواج کنند و به والدینشان هم توصیه می‌کنیم که امور را آسان بگیرند. این ازدواجها فردا هزار و یک مسئله درست می‌کند و ما همچنان فکر می‌کنیم که ازدواج موقت قبیح است و مثل شبکه‌های مخفی باید مخفیانه و برای قشر خاصی که معمولاً مشاهلین پولدار مشرع هستند آزاد باشد. □

■ از روزهای سادگی...
■ بر بازوان پاستنی فولاد
■ عسلی لسیج عانی/
■ گروپورنده: سید ابراهیمی/
■ تیراز: ۱۵۰۰ نسخه/ انتشارات
■ تاریخ
■ مستخسی است از
■ سروده‌های سالهای ۷۱ تا ۵۰
■ شاعر.

■ از روزهای سادگی...
■ بر بازوان پاستنی فولاد
■ عسلی لسیج عانی/
■ گروپورنده: سید ابراهیمی/
■ تیراز: ۱۵۰۰ نسخه/ انتشارات
■ تاریخ
■ مستخسی است از
■ سروده‌های سالهای ۷۱ تا ۵۰
■ شاعر.

■ از روزهای سادگی...
■ بر بازوان پاستنی فولاد
■ عسلی لسیج عانی/
■ گروپورنده: سید ابراهیمی/
■ تیراز: ۱۵۰۰ نسخه/ انتشارات
■ تاریخ
■ مستخسی است از
■ سروده‌های سالهای ۷۱ تا ۵۰
■ شاعر.

■ از روزهای سادگی...
■ بر بازوان پاستنی فولاد
■ عسلی لسیج عانی/
■ گروپورنده: سید ابراهیمی/
■ تیراز: ۱۵۰۰ نسخه/ انتشارات
■ تاریخ
■ مستخسی است از
■ سروده‌های سالهای ۷۱ تا ۵۰
■ شاعر.



مطرح کنیم. ب: ولی شاید جامعه هنوز آمادگی آن را نداشته باشد. هر مسئله شرعی را که نباید در جامعه رواج داد. باید به عرف هم نظر کرد. در عرف جامعه ما بحث ازدواج موقت فیراخلاقی است؛ قبیح است. الف: خوب این ایراد حرف جامعه است. این تعلق برای جامعه بسیار است. باید آن را امادها کرد. باید آن را اصلاح کرد. این عرف از کجا آمده و چرا سرمد آن را پذیرفته‌اند، نمی‌دانم، فقط می‌دانم که این باور خطرناک است و متشاه بسیاری از فسادهاست. در جوامع غیردینی که این مسئله منتفی است. آزادی جنسی بی‌بند می‌کند و عرف جامعه شان هم پذیرفته است. در جامعه دینی هم که نمی‌شود در این باره سکوت کرد و همه بدبختی‌ها را به گردن ماهواره و ویلشو و غرب انداخت. شارع مقصد برای رابطه زن و مرد و دختر و پسر حکم صادر کرده است. این عرف باید خود را با احکام شرعی تطبیق بدهد. وگرنه بحران جدی در جامعه پیش می‌آید.

کارخانجات کاشی و سرامیک

سعدی

دفتر مرکزی: تهران - خیابان فردوسی - شماره ۴۸۶

تلفن: ۳۱۱۶۸۸۷، ۳۱۱۶۸۸۸، ۳۱۱۶۸۸۹

فاکس: ۲۱۵۲۵۲ SSKS-IR

کارخانه: شهرکی - اول جاده قم - خیابان انبار نفت

تلفن: ۵۶۵۶۶۳ - ۵۶۵۶۶۴ - ۵۶۵۶۶۵ - ۵۶۵۶۶۶

HEAD OFFICE: No. 486,

FERDOWSI AVE.

TEHRAN-IRAN

TEL: (021) 3118877 , 3116888 ,

3119412 FAX: (021) 395471

TLX: 215252 SSKS IR

FACTORY: REFINERY AVE.,

RAY CITY, TEHRAN-IRAN

TEL: (021) 5655063-6

FAX: 5655067

تکنوکلهر

تعمیر، خرید و فروش انواع لوازم مصرفی ماشینهای دوزیانه - فتوکپی - فاکس و ماشینهای حساب

تلفن: ۸۹۰۸۰۲

کلهر

فروشگاه سرو

خرید و فروش لوازم صوتی و تصویری خانگی

تلفن: ۶۴۲۳۶۸۷

۹۲۰۳۳۳

فاکس: ۶۴۲۳۶۸۸

تجارتی



بچه های آسمان

مجید مجیدی / انتشارات کانون فرهنگی هنری ایثارگران/ چاپ اول: بهار ۱۳۶۴ تیراز: ۳۰۰۰ نسخه / ۲۲۸ صفحه / ۶۷۰ تومان

فیلمنامه کامل فیلم سینمایی بچه های آسمان به همراه یک گفت و گو ی طولانی با کارگردان این فیلم که به عنوان فیلم برگزیده پانزدهمین جشنواره فجر مطرح شد. کتاب شامل آیوم تصاویر است و در مقدمه اش وعده داده شده همزمان با اکران فیلم؛ به برای چاپ دوم کتاب، نقد و نظرات هنرمندان، منتقدان و طرفداران کشور به کتاب افزوده شود. در مقدمه کتاب مجتبی آملد:

بر آن شدم تا دین خود را در قبال این فیلم تأیید نگذارم و ارزشمند با انتشار این کتاب تا حلی ادا کنیم. کتاب، شامل فیلمنامه درخشان فیلم، به همراه گفت و گوهای مفصل و توضیحی درباره تمام اجزای فیلم، از چگونگی شکل گرفتن فیلمنامه تا تدارک ساخت، و تمام کارها و مراحل فیلمبرداری، صدایگذاری، موسیقی، تدوین و... سرانجام کارگردانی و نگاه و باور حاکم بر فیلم، با فیلمنامه نویسی و کارگردان آن، مجید مجیدی است.

بهترین حمله، دفاع بد است

■ ساره محمدگنئی

جنگ هشت ساله ایران-عراق واقع‌ای نیست که مختص قشر خاصی یا عده معدودی باشد. جنگ بر تمام کشور و همه مردم تأثیر گذاشت. بسیاری از ارزشهای جامعه را درگیر کرد و تاریخ جنگ، سیاسی و اقتصادی ایران را وارد مرحله تازه‌ای نمود. در این میان گذشته از تأثیر عمیقی که جنگ بر جامعه، مردم و در نتیجه سینمای ایران گذاشته است و شاید بر روی آن به این سادگی عبیر نباشد، موج تازه‌ای نیز برای اولین بار در سینمای ایران



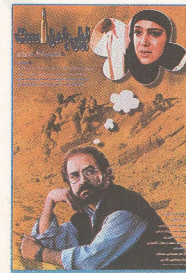
خواهد شد. هور در آتش، دیده و با وجود داشتن. همیشه فکر می‌کردم که با گذشت زمان و کسب تجربیات بیشتر در سینما توسط افراد این گروه، این فیلمها - که می‌توانیم آنها را فیلمهای دفاع مقدس بخوانیم - به سینمای خاص و متفاوت بدل خواهند شد. هور در آتش، دیده و با مهاجر از اولین نویسندگان چنین تصویری بودند. این سینما به دست آدمهایی معترض، مؤمن و صاحب فکر و اندیشه خاص شکل گرفته بود و می‌بایست به همان ترتیب در اقلیت، خاص و معترض باقی بماند.

اما نگاه‌ها چه اتفاقی افتاد؟ اینجمن سینمای دفاع مقدس تشکیل شد. اعلام شد که تئویات ویژه‌ای برای فیلمهای جنگی پروژه‌ها مستوف ماند و پروژه‌های جنگی جای آنها را گرفت. در حالی که اغلب فیلمهای سینمای ایران از تیمود بودجه و امکانات به ضعفهای آشکاری دچار گشته‌اند. دست و دلبازی غریبی درصداست و پرداخت صحنه‌ها هم پرهزینه فیلمهای جنگی مشاهده شد. همه سینماگران به مخصوص روایت نصح بود؛ هرچند که در سینمای دهه هشت کرد و بسیاری از

جنگال بر سر

فیلم « جناح »

فیلم جنگ دربرابر زندگی محمد علی جناح، سینماگر و توضیحی پاکستان به وسیله یک شرکت پاکستانی عظیم انگلیس با موفقیت و کمک دولت پاکستان ساخته می‌شود و قرار است به مناسبت پنجاهمین سالگرد استقلال پاکستان در همه اوسال جاری میلادی به طور همزمان در سینمای پاکستان و انگلیس به نمایش درآید. مقامات این فیلم از یک سال و اندی پیش شروع



سینمای دفاع مقدس مورد حمایت قرار گرفت.

... اما نتیجه این سیاستها در جشنواره‌های نهمین آشتکار بود. حتی میثاق ترین فیلمها هم نمی‌داشتند پاس اخلاقی - مخصوصاً با ارتباط با جنگ - و مخاطب خشنه کنند. نابلدی و شعارگوئی به قدری در همه فیلمها و به خصوص فیلمهای جنگی نمایان بود که برای ناگهانین مخاطب ترین دوروی پشت صحنه روی صحنه آشکار بود. که چی و صحنه‌های آشکار کردن همه چیز و همه سنگ را بر افشاده کردن همه چیز و همه سنگ نیست؟

دیگر از آنجایی که بهترین حمله، دفاع بد است گمان نمی‌کنم که بهتر از این نوع سینمای جنگی و نمایش‌های پرصحنه‌ای لوث نامزد و قشر نمایشگر را نسبت به آنها بی تفاوت و بی توجه کرد و خلاصه نهال‌نوی سینمای خاص و متفاوت جنگ را ریشه کن نموده و طرفداران آن را افکند.

اکبر. س. احمد، کارگردان فیلم مزبور، طی کنفرانس مطبوعاتی کلبه شایمات را رد کرده و گفت واقعت این است که پس از گذشت پنجاه سال، تنها ما به چنین طرح مهیی دست زده‌ایم و قصد ما خدمت به کشور است، ولی مردم مانند رسانه‌های غربی می‌خوانند ما از منتم کشور. در این کنفرانس مطبوعاتی، وقتی روزنامه‌نگاران از آکسای شریف‌الدین پیرزاده، کارگردان برجسته پاکستانی که در تهیه این فیلم همکاری دارد، خواستند کتابتضمین کنند که در این فیلم به قتلد اعظم و اعتقادات ملی آنها روزنامه‌های پاکستان، آکسای

دشما هم قبول کنید که رفتن از ما نمنم بهتر است. صالح‌دام می‌خواند: «اگر دولت زندانی خواهش باشد، حتی اگر فرسنگها را طی کند زندانی هستی. زندانی.»

سال فخریمتراف و با جاسازی عتال زندانی تنها از یک آدم واقعا معتقد و مطمئن به اعتقاد خودی است. برمی‌آید این افراد ترس از جنبه اطع کرد و ضمن خسلن ژیتساری لملعات عرفانی سینمای جنگ، عله ژنداری از مردم را به سینما کشاند. مردمی که برای احترام به اندیشه‌ان نو و نگاه فرکیشه‌ای از سازنده فیلم، به دیده آن آسند و راضی از احترام به این نیت رفتند. کاملاً از انبوه فیلمهای حیات بی‌حاشیه‌ای که پر از آب قرار کردند یا خود خوانند. این فهرستهای قلابی یا بسنهای سرگروپروم و ضد حمله‌های دروغین و حرفهای تاب تکراری کلام ایده و آرمان را بر پرده به این سینما می‌دانند؛ وقتی انگیزه‌های مادی جای انگیزه‌های معنوی را می‌گیرد انتظار خلق یک آشکارا آیدینه‌اند به عیادت

حاکمتری می‌توان انتظار یک فیلم پرورش از نوع سینمای جنگی هالیوود را داشت منتها با قهرمانهایی که طور دیگری نمایش می‌یوشند و هنگام حرف زدن از کلمات دیگر می‌نمادند می‌کنند. همین.

دفاع بد است گمان نمی‌کنم که بهترین حمله، می‌شد یک سری حرفها و اندیشه‌های پرصحنه‌ای لوث نامزد و قشر نمایشگر را نسبت به آنها بی تفاوت و بی توجه کرد و خلاصه نهال‌نوی سینمای خاص و متفاوت جنگ را ریشه کن نموده و طرفداران آن را افکند.

اهانت نمی‌شود، او از این کار استخار ورزید و گفت: «مردم پاکستان، هیچ‌گاه اهانت به شخصیتهای ملی خود را تحمل نخواهند کرد، لذا اگر بعداً چنین چیزی در طرح مفصل مشاهده شود، سینماها را با آتش خواهند کشید و کارگردان فیلم را اجازت ورود به کشور نخواهند داد. عله‌ای نیز استخوان‌ساز متوقف ساختن فیلمبرداری این فیلم شده و گفته‌اند، اساساً این اقدام مهم، باید با نظارت سیاسی پاکستان و فیلم‌های پاکستانی صورت گیرد، نه با افرادی که سوابق قتلد اعظم و اعتقادات ملی آنها

نیز شنید. در مورد تمام خود را جمع کرد. به چشمانش فشار آورد. اگر می‌شد به آنچه که می‌دید اعتماد کند، شیعی از جده‌اش دید. جاده به جای شلاق می‌مانست بر تن کویر. و در وردست نیز، سر سراب، در هرم و تیرت فریب می‌لرزد، حمود، در حرکت و گرما، احساس خشکی کرد: «استاد نقاش! استاد نقاش! شما به من وعده دروغ نداید؟»

در خیال خود، نقاش را دید: «تو مرا فریب ندهای؟» در خیال پاسخ شنید: «تو برای زندگی زینت‌ها مفید نبودی! باید می‌مردی حمود!»

زمان خشکیه‌اش را در کلام چرخاند تا مگر رطوبتی را جذب کند. و زینتش از خود زنده‌ای از چوب، خشک و زیر بود. کلافه و گنج پرگشت. در چهار جهت نگاه کرد. خیابار - جاده‌های محو و کم فروغ، چیزی نماند. در خیالش به دنبال قلعه گشت. اثری از آن نیافت. صدای زوزه‌یاد را شنید. از ترس لرزید. زانوسد. سرش را روی زانوهایش خرد کرد.

نوعه‌ای از سرخ و سیاه، از او جانب پیش می‌آمد. سهمگین و پریاه. در نقطه‌ای که حمود نشسته بود، پادشاهی سرخ و سیاه، با پاکدینگر تلاقی کردند و چرخشی آسایار و بی اثر شروع شد. به زحمت خود را از کانون خورشید دست کشید. خشک بود. خود لرزشی احساس نکرد. تصاویر حمود، همچنان بی شمار، لرزان و افک و زده، در آینه‌ی بزرگ تکثیر شده بود. باور کردن چیزی که می‌دید، دشوار بود. آینه‌ی بزرگ، از چند تهره زمین مانده، همراه با ورزش نسیمی ملایم، به حرکت درمی‌آمد اما همچنان تصاویر را متمسک می‌کرد. آینه‌ی در نزدیکی زمین، به ریشه‌های تبدیل شده بود که از نظر شفاف بودن، به آینه‌ی و از نظر انعکاس، به آبرشم شباهت داشت.



این همه، به تندی بیرون از قلعه تملق داشت و حمود، خود را برای دیدن اثرش، مشتاق دیده بود و جشنی کرد.

حمود جمله داشت. تا موعده وقتی نمانده بود، در حال حرکت به مدار نگذاشت. در خیابار:

نقاش عتله‌ی بلندی کرد. باید بدید. صدایش در گوش حود، انعکاس یافت: «تو اگر با من نیامده بودی، جزه یکی از کشته‌های جهان می‌بودی. تو به حال زندگی زینتی مفید نبودی.»

دوباره نقاش ظاهر شد. با موهایی بافته و بلند، یا چشمانی پر از ابهام و اشاره‌هایی که حسرت را بود. حسرت‌زا.

وقتی جوان دیگر مطلقاً ندانست کجاست و با نمانست قلعه‌ای که از آن آمده، در کدام جهت قرار دارد. کسی را نیز در اطرافش ندید. سرگشته در بیابان هوا روشن شد؛ در پروت خود ساخته و پرداخته‌ای که مانند کس یا پادشاهی درون این برهوت نبود، تا دستی برای یاری او بگشاید. چشمانش پیش از روزهای پیش می‌سوخت و حیدر فیدار گشایش پیدا شده بود. تنها یکی به تصاویر نقش شده وسط نقاش غریبه نگاه می‌کرد، آنها را واضح و روشن می‌دید.

ابتدایی خودش را دربر گرفت. خشکی کلاه‌اش کرده بود: «آه‌ای نقاش! مرا می‌بینی؟»

در خیال خود، انعکاس صدایی را دریافت: «مگر ساه‌ها تو را یاد دارند. ساهه‌ها.» صدای ساه‌ها کشدار و موجج، هنوز زمین را پوشاند. صدای خنده‌ای کره‌بیه پایبان آمد. حمود حیرت کرد:

«آیا صدای خنده‌ی شماست؟» «تو مرا فریب ندهای؟»

کدام از جهات مختلف را بلداند؛ سرگشته و پریاه. دوباره در خیال خود انعکاس صدایی را یافت که او را می‌خواند. این بار اما شبیه به صدای پرشکبیه مادر و در تکرار، چون صدای پدر، در رفتن تردید کرد؛ «ناید چشمه‌ی گوش بسته گوی می‌خورد.» «آیا بخو در فکر کردی؟» «آیا پیش در دسترس نیست؟ آیا آسمان این بیابان بی‌سار، خودخواهد؟»

آفتاب بود و تیغ گرم خورشید و دشتی وسیع، و پایین تر از زمین‌کی اکمنون و آب آبیاده بود. به طرف آن حرکت کرد. نوری خیره‌کننده چشمانش را آرزود. مثال خود، دیواری از آینه‌ی جلوت. رفوت رفت. انعکاس شدید نور، پشروی او را خودمردمی کرد. دیگر تا آینه‌ی شاد نبود که چون دیوار، از آسمان تا دشت امتداد و وسعت داشت، فاصله‌ای نبود. نزدیک و نزدیکتر شد. تصاویری محو و غریب از خویش را در آینه‌ی دید. لرزان و آشکار. و چشمانش دست کشید. خشک بود. خود لرزشی احساس نکرد. تصاویر حمود، همچنان بی شمار، لرزان و افک و زده، در آینه‌ی بزرگ تکثیر شده بود. باور کردن چیزی که می‌دید، دشوار بود. آینه‌ی بزرگ، از چند تهره زمین مانده، همراه با ورزش نسیمی ملایم، به حرکت درمی‌آمد اما همچنان تصاویر را متمسک می‌کرد. آینه‌ی در نزدیکی زمین، به ریشه‌های تبدیل شده بود که از نظر شفاف بودن، به آینه‌ی و از نظر انعکاس، به آبرشم شباهت داشت.

این میان شراهه‌های آینه‌ی گذاشت. صدای خنده‌ای کم جوهر و ترس‌انگیز، هنوز به گوش می‌رسید. درون تصویری از آینه‌ی وارد شد. چهوه‌ی بزرگی از خودش را دید که روی سطحی فوق‌العاده بزرگ، نقاشی شده بود. بی اراده مقابل آن نشست. بی احساس و سرد. نقاشی شرم‌گه می‌کرد: «شگفتا! نقاشی من می‌تواند گریه کند؟!»

گریه‌ی نقاشی، شدید و شدیدتر شد. حمود، فعلاً احساس کرد خود چشمانش در حال بارگشت است. و هم از اطرافش بارگشته شد. در اطرافش تصاویر میهم گله‌ای را دید و صدای زنگ آب‌ویخته بر گلولی گوسفندانی را شنید. گوسفندان شلید از چرای روزانه بازمی‌گشتند. برخاست. نشست. چوپان قلعه جلو آمد. خنبد:

«حمود! بساط عروسی برادرت فؤاد ریاست، تو خوبیدی؟»

حمود خود را به قلعه نزدیک یافت؛ و حتی پنجره‌ی اتاق فؤاد را دید که با پرده‌ی زیمایی زینت یافته بود. خورشید، ذرات نریمبار و طلایی‌نور خود را، در لحظاتی قبل از غروب، بر قلعه و دشت می‌ریخت. حمود، کنار نهر آب نشست. گلرگهای رقصان بر آب را دید که همراه با قلعه، به سر کشتارها می‌رفتند. ندانست آنچه از گلرگ که اکنون بر نهر آب، می‌خواند می‌گردد. لحظاتی قبل، در خانه‌ی بزرگهان از دستهای حمود همچنان که از کانون گردباد دور و دورتر می‌شد، در میانه‌ی کویر، به آب آبیاری رسید. زینا و شهل، بر سر و صورت و شانه‌های فؤاد لغزیده و بر آب شلید. نهر ریخته است. دست و صورتش را نشست. چند گلرگ، بر دست و صورتش سپید. بوی گل سرخ، شگفتا! حمود را نوازش کرد. لغتی به صدای زنگ گوسفندان را دید و برگ و گوسفندان، گوش سپرد.

تاریکی شب، قلعه‌ها را خود فرو می‌برد. روشن کرد. نمر نوره سبز و لطیفی اطراف را روشن کرد. آن گاه حمود، در آغاز پنداری آرزو کرده‌ها می‌قضایا پریاش چرخ خیالی می‌بوه بلد؛ و چنین نبود.

محمدعلی مجاهدی

از جانب قتلگاه گردی پیداست در شیبه ذوالجناح دردی پیداست می آید و در آینه چشمانش تصویر حضور سرخ مردی پیداست

نور که بر این تیره مفاک افتاده ست کاین قدر منیر و تابناک افتاده ست شیراز آسمان زهم بگسسته ست خورشید مگر به روی خاک افتاده ست

روزی که فلک گرم خرابی شده بود گلگون خاکی ماهتابی شده بود هفتاد و دو خورشید در آن ظلمت شب از مشرق نیزه آفتابی شده بود

کریم رحب زاده

تشنه عشقم آری تشنه هم سر می دهم آبرویی قدر خون خود به خنجر می دهم لاله را بگذارد و بگذرد لایق عشق تو نیست ما به پای عاشقی سرو و صنوبر می دهم گرچه دریا تا بخوابی بی وفايي کرده است ما به دست دوستی دست برادر می دهم هیچکس در خاطر ما نازنین تر از تو نیست آری این پروانه را هم سوي تو پر می دهم سر اگر افتاده ذکر تو نمی افتد ز لب بی گلو هم نام زیبایی تو را سر می دهم

علیرضا فولادی

ذوالجناح آمد و آئینه زخم است تنش هر چه آئینه به قربان چنین آمدنش این زبان بسته چه دیده است که در «ظهور عرش» چشمه در چشمه سرشک است زبان سخنان بی سوار از سفر کرب و بلا آمده است مثل باغی که به تاراج رود یا سمنش وای ای وای به خون که خنایی شده است جا به جای بدنش پال شکن در شکنش با سکوتی به بلندای هزاران فریاد نوحه می خواند و با نوبی حرم سینه زنش

فاطمه سالاروند

مشاق و دل سپرده و نارام، زین کرد سوی حادثه مرکب را چون دوست داشت کشته بیند دوست، آن جان از شعور لبالب را در هرم آفتاب شکیبایی، آن روح باطراوت دریایی هفتاد و یک بیاله عطش نوشید، تا آب داد ریشه مذهب را از شوق سوخت سینه غمگینش، وقتی که دید کودک شیرینش در اوج تلخکامی و دلنگی، نگشود جز به شکر مگر لب را تا داغ کربلا نرود از یاد، در شام بی ستاره بی فریاد آن خطبه های روشن آتشگون برد آبروی تیرگی شب را رود است و بی قراری و حیرانی، کوه است و ذره ذره پریشانی تا ادها به زمزمه می گویند، پیغام سبز حضرت زینب را این واز های غم زده از من نیست، باور کنید طاقت گفتن نیست آینه شمع شور عشق محرم باز، با شرم و اشک چشم مرکب را

سیده مهدی حسینی

آسمان مات و میوه ت مانده ست، در سکوت همه آلود صحرا یک بیابان عطش گشته جاری، پای دیوار تردید دریا غوطه ور مانده در حیرت دشت، پیکر مردی از نسل توفان مردی از دوده خاکی و آتش، مردی از تیره روشنی ها کربلا غوطه ور در غم اوست، او که بض بلوغ زمان است غربت ساقی تشنگان است، آنچه در دشت جاری ست هر جا هفت پشت عطش سخت لرزید، آسمان ابرها را فرو ریخت شانه های زمین را تکان داد، حق حق گریه تلخ سقا آه ای غربت بی نهایت! آه ای خواهش بی اجابت!

زخمهای بیابان شکفته ست، دشت در دشت صحرا به صحرا شرمسار لبانت فرات است، بر دل آب افتاده آتش کرده دریا به روی نگاهت، باز اغوش گرم نمنا

زخمهایم دوباره شکفتند، آنچه باید بگویند، گفتند زخمهای من این شعرهایم، زخمهایی همیشه شکوفا

حمیدرضا شاکروری

ای وای عطش چه کرد آنجا با تو همسایه مگر نبود دریا با تو ای کاش به زیر تیغ خورشید آن ظهر بودیم شریک تشنگی ها با تو

شهرام مقدسی

قومی که هیچ حرمت قرآن نداشتند بودند با تو همسر و ایمان نداشتند هر چند بهتر از تو در این عرصه عبور در چشمها حقیقت عریان نداشتند هر چند بهتر از تو و آن اصغر بزرگ در باغ، عندلیب غرلخوان نداشتند یا آن همه صداقت سیال در گلو آوازهای عشق تو را جان نداشتند امروز هم به جان تو صد زخم می زند گریه که دشمنان تو پایان نداشتند.

بیرون قلعه امن نیست

چهارگنج خسروها

در بمداز نظری عادی، در قلعه شاهد بازار صالح وفاد، نگران تصمیم حمود میبوند. حمود برخاست:

«از این جهنم می روم!» و چشمانش اطراف او در خایه دید. از دو روز پیش، دلش تلاطم و طوفان شده، تنها خاطره نقش را در خود داشت و جز رفتن، هیچ برجامی را برای خودش تصور نمی دید.

صالح با ناگهی مهربان، سینی چای را روی میز گذاشت. لبخندی که چهارم را زاریاتر کرده بود از صورتش محو شد و ناگهان، رنگش به تیرگی گرایید: «جهنم تویی حمود. قیامت داره.»

وسنی چای را پیش کشید. فنجان به وفاد تاراف کرد:

«بفرما بخور. از حرفهای برادر تو بیخ!» برای وفاد غیرمستظره بود. نمی توانست خود را قانع کند. سرش را که پایین بود، بالا نیاورد:

«برای عروسی من که می مانی حمود؟» حمود طعنه کرد. از دو روز پیش، چشمهایش کم سو شده بود. غبار می دید، غبار و غبار: «نه وفاد. فردا صبح حتماً می روم.»

باید سوسمگین، شاخ و برگ درخت کهنسال حیاط خانه بزرگ صالح را درهم پیچید. صالح نجوا کرد:

«باید. بیرون هوایی است حمود.»

حمود، در خیال، نقش را دید. دلش برای دیدن دوباره اثر جادویی نقش عشق رفت:

«فقط فکری خودت را! بقیه هیچ! پشرفت بقیه هیچ!»

و چشمانش همچنان غبار گرفته و بی رمق، فنجانهای چای را خالی می دید. وفاد چای خورد. کارهای زیادی داشت که باید انجام می داد. بلند شد: «خیلی دلم می خواهد فردا در جشن عروسی من حضور داشته باشی. خودت هم تا چند روز پیش، لحظه شماری می کردی. ایاموارم بمانی.»

صالح به ریش سفید و پریشانش دست کشید: «باید. بیرون هوایی است حمود! صلاح نیست از قلعه خارج نشوی.»

حمود از پنجره اتاق بیرون را نگاه کرد. بسخنی و در غبار، زلال آب پای درخت را دید. غبار چشم و غبار ناشی از ورزش تندبادهای در حال گذر، تازی دیدگانش را مضعاف کرده بود. روی زمین نشست.

صالح به طرف حمود آمد. سر او را در آغوش گرفت: «کسی که دیروز برایت حرف زد و رفت، خیر تو را نمی خواست.»

حمود تلخ خندید: «خیر یعنی چه پلور؟»

صالح آزرده شد: «خیر یعنی خیر.»

وفاد در حال خارج شدن از اتاق، ایستاد: «آوازه رفتن تو همه جا پیچیده. از رفتن صرف نظر کن. حد کم تا عروسی.»

صدای مهیب و خشکی در حیاط خانه به گوش رسید. باد، شاخه ای از درخت کهنسال را شکست و روی آب جاری نهر که از میان خانه می گذشت، انداخت. حمود بی توجه به آنچه در اطرافش می گذشت، به طوفان رفتن می اندیشید:

«من به نقش قول دادم. طوفان حرف زد و رفت، خیر تو را کرد.»

صالح به طرف پنجره دید: «باید. بیرون هوایی است حمود!»

حمود خنده بلندی کرد: «سرزمینهای دیگری در انتظار من خواهد بود.»

وفاد:

«وفاد اما لظظای قیل، رفته بود. هنوز هوا کاملاً روشن نشده بود که حمود، آماده رفتن شد. پلور را پرسید:

جشن سینما در شهر بی سینما



سومین جشنواره بزرگ فیلم استان، در سیستان و بلوچستان برگزار شد. در این جشنواره که بر گزار شد، برنامه های مختلف دیگری چون: نقد و بررسی نگار، بازدم اردیبهشت ماه در این استان برگزار شد، پیش از پنجشنبه سخنرانی و بخشهای دیگری در سیستان و بلوچستان برگزار شد.



سختنای بر لزوم گسترش هرچه بیشتر این گونه جشنواره ها در مناطق محروم کشور و آشنا کردن مردم این مناطق با سینمای روز و رویاندهای سینمایی کشور تاگاید کرد. وی گفت: «احساسات این است که اگر برای نقاط محروم تلاش بیشتری بشود، خدمت

جشنواره را تشکیل می داد. یکی از جدائرتین و پرطرفدارترین این بخشها، بازدید بازیگران از نقاط دیدنی شهرهای زابل و زاهدان و دیدار مستقیم آنان با مردم بود. دادود روشندی، اسپین تارخ، علیرضا خمسه، جمشید شایخی، اکبر عبیدی، خسرو شکیبایی، نیکی کریمی، مهراهن مین ترابی و دهها هنرمند دیگر در جریان این جشنواره به دیدار مردم سیستان و بلوچستان رفتند. مهندسین شرغامی، معاون سینمایی وزارت ارشاد اسلا، در مراسم افتتاحیه این جشنواره طی

سینمایی کشور تشکر می کنم. این جشنواره اتفاق مبارکی است و من امیدوارم اتفاقی که پیش می آید تجربه ای باشد برای فصلهای بعدی زندگی و بیاموزیم که چگونه جشنواره به مدد و همیاری مسئولان و هنرمندان و دست اندکاران، می تواند تجلی روشنی باشد از صداقت، کمال، غیرانتزاعی و همسنگری همکاران.»



اسین تارخ، بر گزاروی چنین جشنواره هایی را توزیع عادلانه محصولات فرهنگی در بین همه افراد ک کشور دانست و گفت: «مقابله با تهاجم فرهنگی یکی از اهداف اصلی چنین جشنواره هایی است؛ زیرا این مردم مرز نشین و دیپروپر هستند که به دلایل مختلف می توانند در معرض این تهاجم قرار بگیرند و اگر به انواع محصولات و پیشرفتهای فرهنگی دسترسی داشته باشند، این خطر خیلی کمتر خواهد بود.»

مهرانه مبین ترابی این جشنواره را کاتالیگاتی مناسبی بین مردم و هنرمندان می داد. نیکی کریمی گفت: «خدا کند، این کار ادامه پیدا کند. باید هر اقدامی که در پی داریم، نتیجه ای داشته باشد و سینمای ایران پیشرفت داشته باشد و مردم سیستان و بلوچستان کلام معضل فرهنگی هنری کشور را حل خواهد کرد.»



... به روایت ناصر تقوایی

گفت و گو: احمد طالبی نژاد، انتشارات روزنه کار/ چاپ اول: تابستان ۱۷۵ تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه / ۱۶۲ صفحه / ۲۸۰ تومان.

یک گفت و گوی طولانی به سبک کتابهای سینمایی منتشر شده چند ساله اخیر با یک فیلمساز حرفه ای، اما موزی: ناصر تقوایی. کتاب شامل دو بخش، یکی بحث درباره تحولات سینمای ایران و کارنامه فیلمسازی تقوایی، دیگری بیانگر دیدگاه عمومی سینمای ایران است. باید درباره این که انتشار این گونه گفت و گوهایی مطلوب تا چه حد رفع مشکلات نظری بیرونی سینمای ایران را حل خواهد کرد و اساساً تا چه حد در مسیر تحول کتابها و مطبوعات سینمایی داخلی موثر واقع خواهد شد، بحث کرد.

Advertisement for Fabriz Wire & Cable Co. (SIMCAT) featuring a large image of a cable and a certificate of ISO 9002 certification. Text includes 'شرکت سیم و کابل تبریز اسیمکات' and 'Certificate No. 68007'.

عرض حال!

در شش‌روزه قبیل اخبار رسمی برگزاری چهارمین جشنواره فیلم و ویدئو سور و درج کریم. اما هر واقعه‌ای، خصوصاً جشنواره‌های سینمایی، مفادیر قابل توجهی و تالیق و اخبار غیررسمی (۱) نیز دارد که درج آنها هم حلالی از لطف نیست. راپورت‌های یومیه زیر از ویژه‌نامه‌های روزانه هفته نامه مهر در ایام برگزاری جشنواره نقل شده است.

خداوند بنام پدر مرحومان مغفوران عادل طرور و ویلیز رابط از اعظام متخیرین در پیش بگذرانید. در محفل نمایش فیلمهای فیلمخانه ملی متخیری از آثار فیلمسازان برجسته ایرانی از جمله آثار خسرو سبایی - عباس کیارستمی - هژیر داریوش - کامران شیردل و خسرو پرویزی نمایش داده شد.

عکسهای نمایشگاه داشت. هنرجویان سینمای جوان تروین بخش در مسیر تجربه را تشکیل می‌داد. در این قسمت فیلمهایی چون پرزندگان (هیچکاله - دوندگان (امیر نادری) - دندان مار (کیسبایی) - نوسماترلیا (تارکوفسکی) و ... نقد و بررسی شدند. در پایان این هفته هیئت داوران به آثار برگزیده عکس و فیلم در ۱۳ زمینه مختلف جوایز ارفا کرد.

برای جشن سینما توفیرات که از بابت اقدام جشن سینما توفیرات کرده هر کس از رعایای این دولت از سوار کرده به بلد اصفاهان آوردند. اجمل از بابت طلسمات مجرب و نثرین میرزا خسرو خان متفادلسطنه و میرزا داوود خان مسلمسی بوده که طیاره بطور عجیب تکان خورده و نزدیک بوده که سافت شود. این دو فرد مذکور از اعاده امورات دگوماتریدیه و چند نفر از دگوماتریون را به طلسمات و اوراد معوم و مقول نموده اگر از بابت میرزا مسعود خان متفادلسطنه و ایلیا خان طلق صغیر میرزا نبود ممکن که همه سافت شوند. گویا میرزا مسعودخان و امورات و نواخته رعایا مشحوف شدند. الحق که میرزا شاهرخ خان فارسی هم رویت شد. چند نفر از رجال و نسوان با میرزا مذاکره می‌فرمودند. گویا قرار شده «فرقه کلیبیه» که میرزا شاهرخ خان رئیس آن بوده یک حزب دائر کرده داخل امورات پولیتیکسی شده و شاید یک نفر از آنها رئیس جمهور بشوند.

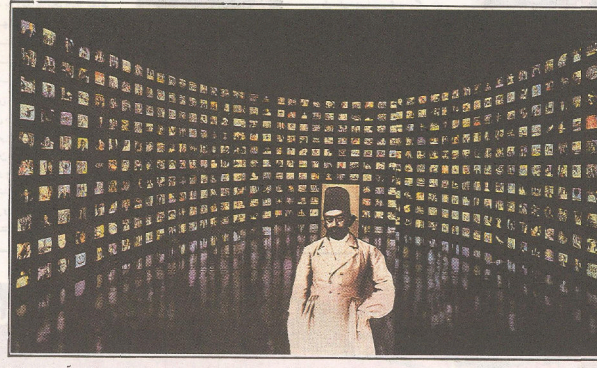
مراسم افتتاح جشن سینما توفیرات را یک نفر رحل اصفاهان شروع کرده، چند طفل مطرب بطور جمیل الحان موزون را نواخته و رعایا مشحوف شدند. الحق که زده، هیچ پاسخ مسوم نگشت. داخل طالار و مطبخ و هشتی و دربخانه را هر چه گشتیم هیچکس را پیدا نکردیم. خوف برمان داشته، دیدیم میرزا محمد مستخان رئیس الدوله لوز رخسارش بطور زعفرانی شده، سی لردزه، آب آورده به آقا دلجم، سوارات سطرسی بشود. رئیس مودع داخل دگوماتریدیه یک نفر موعظه از بابت

ما بهران دیده؟ و یا وم بر او عارض شده؟ قدری که استراحت کرده گشتند از بابت یک نفر دهوا بوده که در مذاکرات از بابت چند نفر کاتبان جراید که با حیرت و لیبیرالی و ایچیکری و دگوماتر و سیمشتر فراف و درامات لوزی و هر چیز معاند بوده حادث می‌مانند. یاد قیوق شوق گریه‌ام و گلستان میرزا (ز بابت نقاشیهای امیر پارس فیلمبرداری کرده و بلطیهای قصیرالمرات و کتیرالمدت درست می‌کنند. فیلم را به طور عجبی پروداکتوری کرده و در آن از عساکر عادولف دینجر - رئیس مملکت جرمان که در نحاریه نانبویه چند کرور از ابتها بشر را مقول کرده فیلمبرداری شده و هر کس حتی اگر حرامزاده و فاسق و مال پشم خورده اشک ریخته و هر کس به عادلانف هینلر - که یک نفر مستبد بوده لمحت و نفرین فرستاده و هایت از عقولین دامن هینلر را گرفته احتار کرد.

برای جشن دگوماترید فیلم متفادله از این عینت داشته، یکی از این بابت که به حکم ایوب علی السرائر - اسرار یک جمیعت از رژیوردها را از برای رفعت اشکار کرده. یک نفر کاتب جراید که خفیه نوبسی از برای جراید کیهان فرموده یک مقالات

تو باغ پر گل، بر برگ زرم یا میرزا یوسف دورت بگردم کمر بازی!

برای جشن دگوماترید فیلم متفادله از این عینت داشته، یکی از این بابت که به حکم ایوب علی السرائر - اسرار یک جمیعت از رژیوردها را از برای رفعت اشکار کرده. یک نفر کاتب جراید که خفیه نوبسی از برای جراید کیهان فرموده یک مقالات



جهان رسم وفاداری ندارد زمانه با کسی یاری ندارد چو فواره اگر گردن فرای مشو فافل که این بازی است بازی

با چند نفر از عهله جات و رعایای سینما توفیرات و چند نفر کاتب جرائد رفتم لفاظه و ناهار صرف شد. بعد رفتم داخل حیاط مهمانخانه و چند فقره سیگارت نوشیدم. فرنگسی دود کریمیم از بابت امورات منورالفکرری و ترانسانداسی - که از اهم امورات بوده و هر رجل عبور باید در آن داخل باشد - مساکرات فرمودیم. میرزا مسعودخان متفادلسطنه که قدری کسالت داشته داخل اتاق رفته خواب قیلوله فرمود. میرزا شاهرخ خان فارسی هم رویت شد. چند نفر از رجال و نسوان با میرزا مذاکره می‌فرمودند. گویا قرار شده «فرقه کلیبیه» که میرزا شاهرخ خان رئیس آن بوده یک حزب دائر کرده داخل امورات پولیتیکسی شده و شاید یک نفر از آنها رئیس جمهور بشوند.

طرف صبح از خواب بلند شده، رفتم لفاظه، هیچکس نبود. نوکرها را صدا زده، هیچ پاسخ مسوم نگشت. داخل طالار و مطبخ و هشتی و دربخانه را هر چه گشتیم هیچکس را پیدا نکردیم. خوف برمان داشته، دیدیم میرزا محمد مستخان رئیس الدوله لوز رخسارش بطور زعفرانی شده، سی لردزه، آب آورده به آقا دلجم، سوارات سطرسی بشود. رئیس مودع داخل دگوماتریدیه یک نفر موعظه از بابت

خداوند بنام پدر منورالفکران و رژیوردها و کاتبان و نقاشی‌ها و هر کس با حصار فرق داشته باشد از سر رعایای مملکت بکند.

طرف سحر آبدیله میرزا میرتاف ولد آسیدرضا از اعظام کتاب و از فیلسوفان که مقداری پیش مرحوم سیداحمد آقای بوزی از بابت بارنخن میدگر و لوغر و اکولر و البانی کفار و مماندین به تلمذ مشغول بوده با طیاره به اصفاهان داخل شده و شب فراف به یوم دیدار بدل شده، آقا اول صبح به دکانین اصفاهان رفته یک پیراهن جمیل ابتیاع کرده فی الثور به مهمانخانه داخل بار عام به هر کس از کاتبان جراید یومیه داده، مشرف شدیم. فرمائشان بروم، که اگرچه سفر من داشته و از اهل شبابت بوده، از بابت حیبت و رشادت و غیرت و بطور یک نفر رحل پناه شده هر کس را مغرب می‌نماید و ممکن است که وزارت شتولین گشته و ساهلانت که در کشور ما در رسنه های گرمی از طریق سرپالهای تلویزیونی، گفتارنش ها و سیزگردانی تخصصی عمومی، سعی بر آقا ساختن خندها و چوران ایرانی شده است. اما

یا توجه به وجه سرگرد کشتنده باخوادگاه سرپالهای تلویزیونی، به هیچ روی نمی توان مدعی تغییر آموزشی طلمعی آن شد. به همین دلیل، نشر ترجمه کتابهای جامع جهت تکمیل دانش فنی، اجتماعی و فرهنگی این پلای خاندان سوز، همواره اسری لازم و شایان توجه بوده

برخورد مستند با ابعاد فاجعه

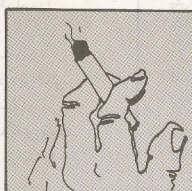
• سیدمیرزا رضا مجیدی

فرهنگ مواد مخدر/ دکتر آقا کوهن/ ترجمه: دکتر حسن حداد سیدجوادی/ نشر مسجد مجسی/ چاپ اول: پاییز ۱۳۷۲/ ۲۰۰۰/ ۵/ ۳۲۲ ص.

مصرف بی رویه روانگردانها در سطح جهانی، همواره از مصیبتها و عوامل بازدارنده رشد توسعه اجتماعی و فرهنگی جوامع کوچک و بزرگ از دسیسه های بارعام به هر کس از کاتبان جراید یومیه پدید جهانخواهان برای مهار کردن نیروی خلاق قشر جوان کشورهای جهان سوم بوده است. اخیراً گزارش و مصرف روانگردان خارجی در دوره های مختلف تهیه کرده است. همچنین ذکر کامل و بررسی تاریخی قوانین و تصویب نامه های مربوط به مواد مخدر، سنیت خاصی به این کتاب بخشیده

کتاب حاضر، «فرهنگ مواد مخدر» نام دارد و علی رغم نام آن، اصطلاحات، واژگان و مفاهیم به شیوه قلموس نگاری رایج ترمیر نشده و گویب، مراد از کلمه (فرهنگ) صرف «قلموس» نبوده است. لیکن با توجه به محتوای بسیار جامع، همه فهم و نثر روان و جذاب کتاب، می توان آن را مؤثرترین و کامل ترین کتابهای شناخت عمومی مواد مخدر دانست که تاکنون در ایران به نگارش درآمده است. کتابهای جامع جهت تکمیل دانش فنی، اجتماعی و فرهنگی این پلای خاندان سوز، همواره اسری لازم و شایان توجه بوده

با این وجود، جای بسی متعجب است که تا سالهای اخیر، جای چنین کتابهایی در نمایشگاهها و کتابفروشیهای کشور خالی بوده است. به همین علت، اولین تحقیقات و پایان نامه های دانشگاهی در این خصوص، در محدوده کتابخانه دانشگاههای باقی مانده بود. در عین حال، کتابهای باقی مانده بود. در عین حال، مطالب این آثار قدر تخصصی است که هر کس حتی در صورت انتشار نیز نمی تواندند پاسخگوی نیاز عام باشد.



کتاب حاضر، «فرهنگ مواد مخدر» نام دارد و علی رغم نام آن، اصطلاحات، واژگان و مفاهیم به شیوه قلموس نگاری رایج ترمیر نشده و گویب، مراد از کلمه (فرهنگ) صرف «قلموس» نبوده است. لیکن با توجه به محتوای بسیار جامع، همه فهم و نثر روان و جذاب کتاب، می توان آن را مؤثرترین و کامل ترین کتابهای شناخت عمومی مواد مخدر دانست که تاکنون در ایران به نگارش درآمده است. کتابهای جامع جهت تکمیل دانش فنی، اجتماعی و فرهنگی این پلای خاندان سوز، همواره اسری لازم و شایان توجه بوده

گوناگون علمی، آماری، اجتماعی، فرهنگی و حتی ادبی قضا به چنان تسلط و دقتی از سوی نویسنده و مترجم کتاب انجام درشت عنوان، می توانست خاص تر و درشت تر و به مفهومی، تابع مفهوم آن، کشش لازم برای خوانند حداقل نمی از کتاب را خواهد داشت.

مترجم کتاب، آنگای حسن حاج سیدجوادی، پس از چاپ خلاصه ای از کتاب در سال ۱۳۳۷ و چاپ کامل سه فصل آن در سال ۱۳۳۸ در یکی از نشریات معتبر، این بار، فصلی بسیار مستند و جامع در باب پیشینه مصرف روانگردانها در ایران به ابتدای کتاب افزوده و با این مهم، کتاب را برای خواننده ایرانی، هر چه پربارتر و مفیدتر کرده است. وی این تاریخچه را از اعلی رعم و چون مقاله مختصر و کاتبی شمیفا با مراجعه موشکافانه به کتابهای تاریخی، جغرافیای اقتصادی و کشاورزی و همچنین سقرفنامه ها و آثار جهانگردان خارجی در دوره های مختلف تهیه کرده است. همچنین ذکر کامل و بررسی تاریخی قوانین و تصویب نامه های مربوط به مواد مخدر، سنیت خاصی به این کتاب بخشیده

این کتاب در خصوص نام: ۱. طرح روحی: علمی پایه ایده ۲. اصطلاحات، مخزان می عیب و نقص نمی تواند باشد. زیرا خواننده ممکن است در برخورد نخست، تصور کند که کتاب در خصوص واژگان مواد مخدر در دست دارد. همچنین ترکیب امواد مخدر با توجه به اینکه این کتاب درباره انواع گوناگون امواد روانگردان است که اصطلاحی جامع تر از عنوان پیشین است و به مفهوم کلیه مواد مخدر و مواد محرک و امسال آنهاست، به هیچ روی، کامل و گویا نیست.

کتاب حاضر، «فرهنگ مواد مخدر» نام دارد و علی رغم نام آن، اصطلاحات، واژگان و مفاهیم به شیوه قلموس نگاری رایج ترمیر نشده و گویب، مراد از کلمه (فرهنگ) صرف «قلموس» نبوده است. لیکن با توجه به محتوای بسیار جامع، همه فهم و نثر روان و جذاب کتاب، می توان آن را مؤثرترین و کامل ترین کتابهای شناخت عمومی مواد مخدر دانست که تاکنون در ایران به نگارش درآمده است. کتابهای جامع جهت تکمیل دانش فنی، اجتماعی و فرهنگی این پلای خاندان سوز، همواره اسری لازم و شایان توجه بوده

بزرگداشت سرداران شهید در برنامه ادبی محراب

به یاد بزرگداشت سرداران شهید سپاه و شهیدان استان تهران بیست و نهمین برنامه ادبی «محراب» روز شنبه ۲۱ اردیبهشت ماه برگزار می شود. این برنامه به همت دفتر ایفکات بجهت های مسجد حوزه هنری و یاد همساری «سپح زکات و امور اجتماعی» حضور خواننده های محترم شهیدان، مساجد علمی بن موسی الرضا (ع)، بشمیر اکرم (ص) و چهارده مصفوم علیهم السلام در سالن گروه های فرهنگی و امور اجتماعی واقع در خیابان آزادی - ترسیبده به شیخان بهیودی - جنب مسجد صاحب الزمان (ع) به اجرا درمی آید. علاقه مندان می توانند از ساعت ۱۴ لغایت ۱۶ از این برنامه ادبی و مذهبی استفاده

تجمع تبلیغاتی سوریه

تجمع تبلیغاتی سوریه

حوزه هنری

جامعه سالم، تبلیغات سالم

مشاوره، طراحی، اجرا، ارزیابی، تحقق اهداف

با ما در تماس باشید

تجربه، تعهد، تخصص

دستاوردی از هجده سال تلاش

همگام با ارزشها و آرمانهای نظام

در عرصه های فرهنگ و هنر

آدرس: پاساژ نجات الهی - کوی سلمان پاک - پلاک ۳۴ - تلفن ۰۲۰-۸۸۱۰۷۰۸، فاکس ۰۲۰-۸۸۰۹۹۱۳

ویسلاوا شیمپورسکا، شاعر هفتاد و سه ساله و چهارمین لهستانی است که جایزه نوبل ادبیات را به خود اختصاص داده است. زمانی که با خودش اش بگردد و شینفته خودش شود، او باید کسی به خودش بپردازد. ساچکوف وقتی من خواهد به شعر او بیشتر بپردازد، امدهای شعرش را در خیابانها پیدا می کند. بارها شعر و دست نوشته های او را به خیابانهای پایتخت برده و آهنگهای زیادی پیدا کرده است. امردی روی پل، شعری است از ویسلاوا که سخت ساچکوف را آشفته کرده بود.



چای خالی سلوچ

نقد می شود

دوازدهمین جلسه نقد زمان حوزه هنری به بررسی رمان «چای خالی سلوچ» نوشته محمود دولت آبادی اختصاص دارد. جلسه نقد رمان این ماه که مسئولیت آن را محمدرضا سرشار بر عهده دارد، ساعت ۱۵ و ۱۶ روز سه شنبه ۱۳۰۰/۲/۲۶ و در محل نمازخانه حوزه هنری برگزار می شود. شرکت در این جلسه برای عموم علاقه مندان آزاد است.

درباره رمان پلیسی

ترجمه و نگارش: خسرو سعیدی

کتاب اول

اگر قرار باشد برای به وجود آمدن رمان پلیسی مدرن تاریخی می شود، همگی ماه آوریل سال ۱۸۴۱ را پیشنهاد می کنند. یعنی تاریخ چاپ داستان اداکار آن پو به نام «قل» در گانه در خانه مورگ در مجله گراهامز ماگازین. به گفته لاکسن در «استوره رمان پلیسی» - کارآگاه آنتور در ادبیات به وجود آورد. پو نخستین خالق کارآگاه آنتور است؛ کسی که استعداد خاصی برای حل معماهای پلیسی از طریق مشاهده، آنکت (تحقیقات) و استنتاج دارد. البته قبلاً نیز رمان های به اصطلاح پلیسی وجود داشت. ماجرای دوزخی بازاک، جنایت و مکافات داستایوفسکی، بنویان هوگو با پلیسی به نام ژاود ... اما رمان پلیسی مدرن، همچنان که گفتیم در ۱۸۴۱ با به عرصه ادبیات نهاد. فرانسیس لاکسن در همان کتاب «استوره رمان پلیسی» شرط لازم به وجود آمدن رمان پلیسی را پیدایش تمدن شهرنشینی می داند: «شهر با میواهایی که به دروغ، اطمینان بخش اند، نوده مردمی که ممکن است جنایتکاری را در خود مخفی کرده باشد، خیابانهای گشوده و روی تمقیب های حون آسا، انبارهای عظیم مجهزون قلعه ها، نرده های بسته به روی راز یا نیستی. نورهای که شب تهدیدآمیز را باره پاره می کند و ... آشفته، پله، اما بهتر است دقیقتر بگویم شهر صنعتی. صف نگون پختن و بی ریخته های که حاضرند برای هر کسی کار کنند. گروه های درماده ای که به خدمت افراد بدون ملاحظه درمی آیند.

به میزانت گسترش شهر، پلیس هم گسترش می یابد. در برابر جنایتکار پلیسی وجود دارد که هر لحظه به شکلی درمی آید؛ زیرا تغییر ظاهر او از هزار چهره می بخشد. تغییر چهره و ظاهر وسیله ای است در اختیار مجرم که بتواند به کمک آن «دیگران را فریب دهد». در جمع افراد گمناز نابود شود و دست یافتنی گردد، جنگ حله و تیرگی آغاز می شود و دولتی بین نیکی و بدی که مورد علاقه توده عظیمی از خوانندگان قرار می گیرد. زیرا دیگر به دلیل شکوفایی روزنامه ها، خواننده نیز وجود دارد. روزنامه ها صفحات حواش را به وجود آورده اند و صفحات حواش، جنایات اسرارآمیز را نیز از قلم نمی اندازند و این گونه داستانها، موجب لذتی عظیم می شود. کشش مسائل پراسرار، میل به عدالت خواهی و ... حیاالیه به رمان پلیسی احساس می شود. شخصیتهایش حضور دارند و فقط آنکت (تحقیقات) است که باید کشف شود.

همگی از گسترش علم در قرن نوزدهم باخبریم: علمی که می کوشد تا قوانین حاکم بر پدیده ها را کشف کند. حتی ادعا دارد که روان پیچیده آدمی را نیز توابع می دهد، چون انسان به خاطر آزادی اش، عکس العمل های کاملاً غیر قابل پیش بینی دارد. آنکت، قادر است نشانه های آن که جنایتکار بر جای نهاده است، پیدا کند، اما هرگز قوربت آن ندارد که دلیل ظنی مجرمیت خود را، چون نمی تواند به انگیزه های دست یابد، نشان دهد. «چراغی جنایت به اندازه «چگونه»



رمان پلیسی، معمولی از طرح می کند که به طریق علمی یادل حل شود برای این کار نمی توان به کشف و شهود متکی بود. رمان پلیسی، ساختاری دقیق و محکم را طلب می کند. تصادف در آن جای ندارد.

همگی شخصیتهای عجیب و غیر معمولی هستند و عادات و خصوصیات خاصی خود را دارند. هیچ کدام از ادعای نکرده اند؛ زیرا اصولاً شلرلوک هلمز را نمی شنود با همسر تصور کرد و سرکلون پوپلر او در حال پرورش فرزند. کارآگاه، وقتی وارد صحنه می شود که خواننده وحشت زده کمک می طلبد و منتظر است تا کسی پیدا شود و به ذهن آشفته اش کمی نظم و ترتیب ببخشد و او را راب دیرگر به خود و جهان اطراف مطمئن سازد.

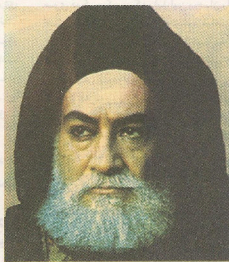
داستان پلیسی تنها از طریق بلعیع بودن است که ارزش می یابد. رمان پلیسی بیشتر به عنق توجه دار تا به شکل. استعداد در آن تنها جست و جوی بداعت پیش است و چنین استعدادهایی ندارند. به همین دلیل، رمان های پلیسی ای که از زردست اشخاص بی صلاحیت خارج می شوند، غیر قابل تحمل اند. رمان پلیسی سه شخصیت اصلی دارد و رابطه این شخصیتها، اساس رمان پلیسی را تشکیل می دهد: کارآگاه، قاتل و قربانی. هر نویسنده یا هر سبک، یکی از این سه شخصیت را مورد بررسی قرار می دهد و اگر اندکیستان می کند. چون کارتر درباره رمان پلیسی می گوید «اگر تولید رمان پلیسی فردا متوقف شود، محبوتیش چنان طولانی و خود چنان پرمیاز است و چنان بنایی در ادبیات به وجود آورده که تین ها و سنتسپوری های آینده نمی توانند آن را نادیده بگیرند. زیرا همه می دانند که رمان پلیسی مورد علاقه سیستماتاران، استادان دانشکده های قدیمی ترین دانشگاههای ما در اصل روشنفکرترین افراد جامعه است.» □

۱. ر.ک. به ده روز شگفت انگیز، چاپ طرح نو.
۲. ناهد و نویسنده تاریخ ادبیات.
۳. برای نگارش مقاله حاضر از کتاب «نقد و بررسی رمان پلیسی نوشته: بولگو - نازوگ، چاپ نشر قطره بسیار استفاده شده است.

دومین هم اندیشی «دین از چشم سینما» از ۲۲ الی ۲۷ فروردین ماه در حوزه هنری برگزار شد. طی پنج روز برگزاری سینما، هفته نامه هنر ویژه نامه با موضوع «سینمای دینی» منتشر کرد. در صفحاتی از این ویژه نامه ها از دست اندر کاران سینمای ایران پرسیدیم:

۱. آیا سینمای دینی همان سینمای اسلامی است؟
۲. آیا هر فیلمی که مطابق ضوابط وجود ساخته شود، یک فیلم دینی است؟
۳. نمونه های موفق فیلم های دینی در سینمای ایران و جهان کدامند؟

پاسخ دوستان را به تدریج در همین صفحات می خوانید:



اینجا فقط بهانه است
■ نبیوش ارجمند (بازنگر)

۱. اساساً مقدمه که هنر پدیده ای مادری است، یعنی با احساسی ماورایی تحقق پیدا می کند.

خداوند، بنیادی و بنیانی نیست. اما رسیدن به مدارج بالای قرب الهی براساس تکامل یافته تر بودن این ادیان تکامل تر خواهد بود. برای نمونه هنر دوست مسیحیت هم رو به سوی معرفت الهی و الحاق و پیوستن به سوی خداوند دارد. اما در اسلام به عنوان آخرین و تکامل ترین دین این راهنمایی ها به شکل کامل تری ارائه شده است.

۲. بسیاری از فیلم های که امروز بدون مشکل ساخته می شود و به نمایش درمی آید رطبی به دین ندارد. البته می توان بهانه ترشید، اما ساین ها فقط بهانه است.

۳. در مورد فیلم های که به تاریخ ادیان می پردازند نمی توانم فیلمی را نه بپریم بسیاری از آن ها اصلاً بر مبنای دین ساخته نشده اند. اما در بسیاری از فیلم ها به صورت غیرعمومی و غیرموضوعی تفکرات دینی وجود دارد که به دلیل این که قصد الگو دادن ندارد نام نمی برم.

۴. اما در مورد آثار ایرانی، مجموعه امام علی (ع) به دلیل حالت دوگانه آن که از یک سو پایه و اساس آن بر مستندات تاریخی بوده که تحلیل آقای میراتری تحلیل هنری خود را بر آن افزوده بوده، به عنوان یک کار دینی کاربردی قابل توجه است؛ همین فیلم آدم پرستی نیز بسیار ملموس تر از فیلم هایی است که داعیه های فراوان دارند.

این پرسش از آن پرسشهاست
■ حسین معززی نیا (منتقد سینما)

۱- این پرسش شما از آن دسته پرسشهاست که با باید پاسخ یک کلمه ای و حاد است. یک جمله ای به آن داد و خلاص شد، یا مقاله ای مفصل در توضیح مطلب نگاشت و همه چیزات را شرح داد. پاسخ کوتاهی این است: «خیر».

شرکت توسعه و سرمایه گذاری غرب کشور

شرکت توسعه و سرمایه گذاری غرب کشور در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۲۱ با تصویب هیئت محترم وزیران به منظور توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عمرانی چهار استان غرب کشور تأسیس گردید. عرصه اصلی فعالیتها این شرکت به طور خاص استانهای آذربایجان غربی، کردستان، ایلام و کرمانشاه بوده و با ایجاد کارخانجات صنعتی و تولیدی این واحد می کوشد سهم عمده ای در محوریت زدایی و ایجاد اشتغال مفید در این خطه از سرزمین ایران اسلامی ایفاء نماید.

در این راستا علاوه بر تکمیل چند طرح راکد، با اجرای طرح های جدید توانسته است به موفقیت های چشمگیری دست یابد. علاوه بر مناطق فوق، تعدادی طرح های صنعتی و عمرانی دیگر در سایر استانهای کشور نیز اجرا و با بازسازی و بهینه سازی می نماید که از آن جمله می توان طرح های اکسپون هرمزگان، اکسپون زاهدان و کارخانه پوست و چرم لرستان را نام برد.

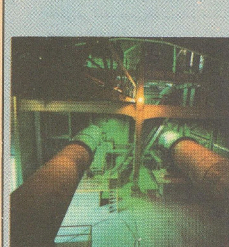
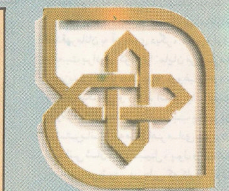
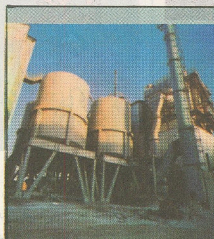
امید است که در سایه عنایات الهی، توجهات حضرت ولی عصر (عج) و با الهام گرفتن از رهنمودهای مقام معظم رهبری و اجرای سیاست های هیئت محترم دولت، این شرکت نتواند گام های بلندتری در عرصه یسرفت و آبادانی مناطق غیربرخوردار کشور بردارد.

آدرس: تهران، ولی عصر، پایین تر از بزرگراه شهید چمران، کوچه شهید ترکش دور، پلاک ۲۳
کد پستی: ۱۹۶۶۶
تلفن: ۲۰۴۰۶۸۱ - ۲۰۴۰۸۷۷ - ۲۰۴۰۵۱۰۶
فاکس: ۲۰۵۰۴۰۹

سینمای اسلامی معنای متفاوت با سینمای دینی دارد. پاسخ مفصلی هم مستلزم توضیح دقیق این دو تعبیر و میزان پانبرفتی بودن هر یک است که مجال دیگری می طلبد.

- ضوابط موجود در سینمای فعلی کشور، قوانینی کاملاً سلبیقه ای، تعریف نشده و غیر فرهنگی است. این ضوابط عموماً مانع پیدایش اثر هنری می شود و به همین دلیل وجود یک فیلم سینمایی که نسبتی با هنر داشته باشد، در سینمای کنونی کشور به معجزه می ماند. تا زمانی هم که سینما به مرز هنر نزدیک نشود نمی توان درباره هنر یا غیردینی بودن فیلم سخن گفت. جریان عمده سینمای کنونی ایران نسبتی با هنر ندارد.

۲- برای پاسخ به این پرسش هم ابتدا باید به تفصیل توضیح داد که سینمای دینی چیست. حال که بنا را بر اجمال گذاشته ایم، تنها به ذکر همین نکته بسنده می کنیم که مقصود از سینمای دینی نه «سینمای تاریخی - مذهبی» است، نه «سینمای تاریخی» و نه «سینمای عرفانی». آن صورت مطلوب سینما که انتظار داریم متناسب با عظمت انقلاب دینی این دیار باشد، هنوز عمومیت نیافته و نمونه های مطلق برایش سراغ نداریم. اما آثار برجسته سینمای جهان - ایران - که استجماع آثار «سینمای تاریخی - مذهبی» است، از این جهت که چه هنری با دین دارند مورد ارزیابی قرار نمی آید: سگبچه (هیچکاد)، سالتشوی مسانتر (سیدکوجی)، جوینندگان (فورد)، در رنگ های وحشی (برگمان)، ریش قرمز (برنسا)، آرتیناتور ۲: روز دآوری (کامرون)، بل دوزور (بونول)، مسواری (مولود)، یاد هر جا خواهد شد روز (برون)، پیلاردیل (راسن)، مستاجر (پولانسکی)، ۲۰۰۱: یک اودیسه فضایی (کوبریک)، جاده (فلینی)، همشهری کین (روز)، بازگشت بنین (برتون) و ...

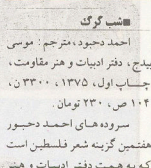




۱۴ سینما

فستیوال روزهای جوانی در ۱۳۷۵، ۳۳۰۰۰، ۹۰، ۲۳۰۰۰ انبیا و هنر مقاومت، جاب اول، ۲۳۰۰۰، ۹۰، ۳۳۰۰۰، ۲۳۰۰۰ تومان.

فیلمنامه‌ای در ۵۲ کساکس که داستان در حاشیه جنگ دارد. همه وقایع این داستان در مرداب اتفاق می افتد و از ارتباطی غیر مستقیم با حماسه نازچه پیکان و روز تیروی دریایی دارد؛ ضمن این که بین شخصیت های آن نیز رابطه نکاتنگ عاطفی وجود دارد. در این فیلمنامه، فیلمی به همین نام و به کارگردانی نویسنده ساخته شده است که چند عکس از آن نیز در این کتاب چاپ شده است.



شب گریک احمد دجود، مترجم: موسی بیج، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۷۵، ۳۳۰۰۰، ۹۰، ۲۳۰۰۰، ۱۰۴ ص، ۲۳۰۰۰ تومان سروده های احمد دجود هفتمین گزیده شعر فلسطین است که به همت دفتر ادبیات و هنر مقاومت وابسته به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی چاپ و منتشر شده است. مترجم تقوای آیدل گلزایی، این گزیده با بیانی شیوا و زیبا و با رعایت استانت در ترجمه با سربلندی از همدۀ این مهم برآمده است. خویشم را غنیمت شمردم و هماره/ عنوان دو شعر از این مجموعه است که در کنار ۱۱ شعر دیگر مجموعه شعر گریک را شکل بخشیده است. شعر گریک کشتن روز آغاز چنین دارد: «هشت فرزندش/ با مادرشان/ به هوا رفتند/ او را خود به مرز دیگرشان برد/ و درخت گیج/ از ناشناسان شکایت کرد و از گوشه و کنار/ خسته پلیس می آمد.»

عجیب ولی دوست داشتنی

صاخره محمدکاشی

نارگر در نگاه اول یک فیلم سوررئال به نظر می رسد. در تمام مدت برف همه جا بارش شده است. اما حتی یکبار هم بارش گویزی برف نه یک واقعه طبیعی که خود جزئی لاینچیزای محیط، فضا و آسمانها فارگوست و بی جهت نیست؛ «فارگو» یعنی منطقه ای که حوادث در آنجا اتفاق می افتد. نام فیلم هم هست. انگار همیشه برف قابل پیش بینی. این همین



این سفته ساکت و پوشیده برف از همه آندمها و حوادث فیلم بیشتر است. منطقه ای که به شهرهای منزوی و آرام اروای شمالی شباهت دارد اما در مناسبات آن یک شهر آمریکایی پر از هیجان و خشونت نهفته است و همین تناقض اصلی است. فارگو در آن یک فیلم سوررئال شبیه می سازد.

اماکنک اصلی و جذاب نمایش آنجاست که سوررئالیسم آن دقیقاً از مناسبات عمیق واقع گویی آنها و حوادث ناشی می شود زیرا سراردن کوشن در فارگو به خلاف فیلمهای قبلی است. و مخصوصاً ریک داداس – اصراری در شکستن قواعد و قراردادهای قصه نداشته اند. دو واقع می توان گفت که قصه فارگو تا حد زیادی سنتی است.

خبری در آن کش از اجبر می کند تا حین بارش و زنده ماندن پهلوان رومندش برن پلای کند. یعنی یک پلای آیدل برای سخن قبلی می جادای، حادثه ای مطابق نژادهای هالیوود. اما از همان ابتدا رفتار دو آدم کش بقدری کنترل شده و غیرعادی خود کوشن ها است که با چوبی معتقدانه هر قدر شخصیته عجیب تر باشد، دوست داشتنی تر هم هست و خندیدن به یک نفر به معنی دست کم گرفتن او نیست.

سرماي فوق واقعت

امید حبیبی نیا

کوشن ها، این باز هم به رویایی با واقعیت می روند و چنان ساختار واند. ده واقعیت و در هم می کویند. نماش، آن،

شماره چهارم • سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۶

لرزه بر تماشاگر آثار فرمگی سرمایه داری مناصر می اندازد.

هجو واقعت مطلق که رسانه های فرهنگ مشرتی، نمایش می دهند به جمیع نقش سینما و زانراه های سینمایی می رسد؛ هجوسی که در Bloodsimpel و بارتون فیک فیلم نوار در دربرگیر بود و در وکیل هادساکر فیلیمهای به اصطلاح اغشانه گرانگه هالیوودی را که کارگردمی کاتارسیس گونه برای مخاطبان دارند، دنظر آورده بود و حالا در فارگو به سوزه کیلیسه ای شهری زبرسوسفته به ظاهر آرام می کشند، یا دوست پسر سالیش، خوشبختارانه رویه و بی شود و یا ماجرا و تپیکاران خونخوشری هوشی آردرو می شود. از همه آنها گذشته، بازار هم حتی تری ترا، مسئله اصلی، یعنی ارتباط و خاص است. به نظر می رسد که بازدهی کاراکارکلی به ایستگی شوهرش به او انجامیده و نه عروسکی. بازی فرانسوی مک روئند هم به این تعرض نشن (متن پاری روسته است. به این ترتیب، تماشاگر اصلا نقد و پیروزی پلیس زن را آن ستاره بیش از اندازه بزرگ کلاش که به طنز نقش او افزوده ندارد. این انتظار با صحنه روبرواری زن با سردرشو که در حال جرخ کردن بقای جسد زن بوده شده است، تشدید می شود. میزانشن های فیلم بر بوبچی، بی معنا و هدف بون کنشها و بی تحرکی نفسا افزوده است. گویی علی رغم حرکت پرشبات انومیبل تپیکاران در یک استریم لاشک شات ساکن، آسان گریزی از سرنوشت مستحوم و شومی که واقعات جامعه سوزانه در برایشان نهاده، ندارند.

کترس در هر گام، تماشاگر را با دلپهره و سرمای ناشی از بدبهبی و پیش پانفاده بودن ایزه و رخدادها، همراه می سازد، دلپهره و سرمای که به باز خورد کنشهای پرسوزاوا خدای طریق نتایج اخ محبتی متن، که تأثیر درخاستی بی منتهایی موجود در متن و واقع گرای درونی ریشه می گیرد. البته به نظر می رسد که واقع گرای هم برای اربابان کوشن اهمیت چندانی داشته باشد. وقتی پلیس زن باردار – آری برای یک پلیس عجیب نیست؟ – از اخلاقیات صحبت می کند و از رفتار این آدمکشها اظهار تعجب می کند، تماشاگر واقعا نمی داند که چه نوعمی را باید اتخاذ کند.

سابقه داشته است. اما آشنایی زدایی کوشن ها، بافاصله، رویی تماشاگر از هالیوود بود تا برمی آسودید و اصلا چیزی را که آنها به این منداشند ندارند، نشان نمی دهد. این شخصیتهای منفی، نفرت تماشاگران را برمی انگیزند و در صحبت منشت، حسن و نارسایی آنها را جلیل می شناسد و این سخاقت عجیب و حیجان انگیزی رخ می دهد. نقطه اوج فیلم، ریون زن است که به بلاهت آمیترت در نظر، توسط دو تپیکار که پیش از آنکه شخصیتهایی شورو باشند، ایله و وحشت زده اند، تهاجم می شود. هر دو برداران کوشن، درخام می فرسوسد. واقعت می کشند، اما سرخلاف فوق واقعت رسانه ها و به وسیله از محتوا نهی کردن واقعت. و شکل دادن آن به گونه ای خراب از تریان زمین واقعت ذهن، بلکه از ریون کردن آن از جنبه های تواقعت بدبهبی و روزمره و میلان انگیز که ناچار، تماشاگر را به موضع گیری فرا می خواند.

شماره چهارم • سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۶

نگاه سنگین و غصناك اهل خانه!

سه یادداشت کوتاه تلویزیونی

۱ آرزینا دهمدان

اگر هیچ اعتباری این جناب سنجیدو در متن پیر و جوان (نه بهخشد، نزد بچه ها) داشته از برکت ژیمایی ارتباطی بود که به آشتی و برقرار می کرد. به پیکتیا، می پرید جلو و سوزلهای بازمی می کرد یا مثلا با بچه زبر یکسال در کالسه اش مصاحبه می کرد!

(نه فکر معانی فلسفی و این جور چیزها را از سرتان بیرون کنید)، اما جالب است که در سری جدید سنجیدو، که همه چیز اضافه شده است (زمان برنامه، عروسکی گذاشت، شخصیتهای عروسکی، شخصیتهای غیر عروسکی، شهرهای تحت پوشش، حتی تری ترا) مسئله اصلی، یعنی ارتباط و مصاحبه با بچه های کلی بی رنگ و بی محتوا شده است.

از همین حالا به نویسندگان سرمایه های قصبه، بی سر رویی آنها و بی میانه، همدار می دمیدم که نوع پوشش خوشناس باشد، که چند خرده ای و دوره دیده، قرار است چهار پنج ماه دیگر از گرد راه ببرند!

هرمز هذایت

در تله موش

سربال پلیسی نه موش هفته گذشته در شبکه دو کلید خورد.

تله موش که هر سنای یکی از قصه های انگلیسی نوشته شده است، به صورت تله تاتر، تولید گردیده و در آن بازیگران اوزرتمشلی چون جیلده شریخ، افراسنتی، احمد آقانو، و اولیاد هلیلیت و اردلان گناه، ایفای نقش می کنند. کارگردان این مجموعه، حسن نجفی است. مترجم: جوادیه سفهدلی. تهیه کننده: تریا کلههر.

تله موش محصول گروه فیلم و سریال شبکه دو سیماست.

چهره به چهره

در تلویزیون

چهره به چهره برنامه ای است از گروه توگرگی – اتحاد اقتصادی دو سیما که به همت سید موسی برنامۀ های سیما می پردازد. چهره به چهره، سری وادار و قضایی، متفاوت و بیاروسنی نو، برنامه های سیما و به خصوص، برنامه های مبتدیان فرهنگی و اقتصادی که دارد، توانسته با بهره گیری از ویژگیهای یک برنامه مفید و جذاب قرار دهد. این برنامه، شامل بخشهای مختلفی چون: نقد، گفت و گو، مسابقه، مطبوعات و قطعات نمایشی است. در بخش نقد با حضور کارگردانان و منتقدان اقتصادی برنامه های مختلف، با طرح نظر مردم و منتقدان مطبوعات،

شماره چهارم • سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۶

تلویزیون ۱۹



مجله «نیچه اعتباری این جناب سنجیدو در متن پیر و جوان (نه بهخشد، نزد بچه ها) داشته از برکت ژیمایی ارتباطی بود که به آشتی و برقرار می کرد. به پیکتیا، می پرید جلو و سوزلهای بازمی می کرد یا مثلا با بچه زبر یکسال در کالسه اش مصاحبه می کرد!

(نه فکر معانی فلسفی و این جور چیزها را از سرتان بیرون کنید)، اما جالب است که در سری جدید سنجیدو، که همه چیز اضافه شده است (زمان برنامه، عروسکی گذاشت، شخصیتهای عروسکی، شخصیتهای غیر عروسکی، شهرهای تحت پوشش، حتی تری ترا) مسئله اصلی، یعنی ارتباط و مصاحبه با بچه های کلی بی رنگ و بی محتوا شده است.

از همین حالا به نویسندگان سرمایه های قصبه، بی سر رویی آنها و بی میانه، همدار می دمیدم که نوع پوشش خوشناس باشد، که چند خرده ای و دوره دیده، قرار است چهار پنج ماه دیگر از گرد راه ببرند!

ضبط برنامه رادیویی برای ایرانیان خارج از کشور

مهندسیین طرحهای عمرانی سالمی بعد از انقلاب عمرتی می شود. طرحهایی چون سد پاسنره خرداد، سد ساوه، سد شهید رجایی و چندین پروژه دیگر تاکنون در این برنامه معرفی شده است.

طرح میاحتی چون: توسعه، تورم، صادرات غیرنفتی، وجدان کاری، مصرف و رایانه، با زبانی همه فهم از عوامل مهم جدلیت این برنامه است. تاکنون هجده برنامه از این مجموعه، بخش شده که مستقیماً با آغاز سال ۷۶ و تغییر جدول زمانی بخش برنامه های شبکه دو گویا هنوز زمان مشخصی برای بخش این برنامه ریز نظر گرفته نشده است.

تهیه کننده و کارگردان این برنامه، حسن میرچولقی و محقق آن، عطاالله رفیعی آگانی هستند. سایر عوامل این برنامه عبارتند از: مجری: احمد قزاقی، تصویربراران: حمید اخوان، این مستندی.

چهره‌های از تلویزیون

روابط عمومی صدا و سیما اعلام کرد: برنامه مستند ایران، چهره‌ای از خود در نیمه دوم فروردین ۷۶ شبیکه دوم تلویزیون مازنی بخش شد.

آ.ب.پ: درس‌ها

مجموعه آنتگین درس‌ها آ.ب.پ: با هدف فراگیری سریع و آسان حروف الفبایی فارسی برای کودکان ساخته شده است. این مجموعه در دو نسخه فارسی و انگلیسی تولید شده است.

مجموعه آنتگین درس‌ها آ.ب.پ: با هدف فراگیری سریع و آسان حروف الفبایی فارسی برای کودکان ساخته شده است. این مجموعه در دو نسخه فارسی و انگلیسی تولید شده است.

مجموعه آنتگین درس‌ها آ.ب.پ: با هدف فراگیری سریع و آسان حروف الفبایی فارسی برای کودکان ساخته شده است. این مجموعه در دو نسخه فارسی و انگلیسی تولید شده است.

مجموعه آنتگین درس‌ها آ.ب.پ: با هدف فراگیری سریع و آسان حروف الفبایی فارسی برای کودکان ساخته شده است. این مجموعه در دو نسخه فارسی و انگلیسی تولید شده است.

مجموعه آنتگین درس‌ها آ.ب.پ: با هدف فراگیری سریع و آسان حروف الفبایی فارسی برای کودکان ساخته شده است. این مجموعه در دو نسخه فارسی و انگلیسی تولید شده است.

مجموعه آنتگین درس‌ها آ.ب.پ: با هدف فراگیری سریع و آسان حروف الفبایی فارسی برای کودکان ساخته شده است. این مجموعه در دو نسخه فارسی و انگلیسی تولید شده است.

مجموعه آنتگین درس‌ها آ.ب.پ: با هدف فراگیری سریع و آسان حروف الفبایی فارسی برای کودکان ساخته شده است. این مجموعه در دو نسخه فارسی و انگلیسی تولید شده است.

مجموعه آنتگین درس‌ها آ.ب.پ: با هدف فراگیری سریع و آسان حروف الفبایی فارسی برای کودکان ساخته شده است. این مجموعه در دو نسخه فارسی و انگلیسی تولید شده است.



آرام سازی سری جدید برداشت آزاد

سری جدید برنامه تلویزیونی برداشت آزاد در دست تهیه است. این برنامه که در قسمت نهم به در شبکه چهار تهیه می شود به فیلمها و موضوعات گوناگون سینمای ایران اختصاص دارد. چهارده قسمت از این برنامه به چهارده فیلم (سه شنبه باران، سرعت، توران شن، عقرب، نازری، سزین خورشید، سار، خورشید، مسجده سرب، لااوشک، مجزه خنده، کبیه برنج، مرشد کافته، به جای آسمان، ایلا) و شش قسمت بعدی به طرح شش موضوع (حضور بین المللی سینمای ایران، جایگاه نقد و منتقد در سینمای ایران، دوره رساله جسمی از کارگردانان فیلم اول، فوت و صف جوشواره بازی درم فخر، نظرات در سینمای ایران) مواد تبلیغی در سینمای ایران) می پردازد. سری طرح و کارگردان این برنامه ماه محمد درشت و نویسنده آنها مصطفی پارمحمودی است. بخش این برنامه ماه شهروز ماه جاری آغاز خواهد شد.

نویسنده و برنامه ساز مهربان کودکان به خدا پیوست

چشمبند مهدی، تهیه کننده و نویسنده ای که مجموعه قصه های فراوانی از برای کودکان منتشر شده است، درسی یک دوره کودکانه آثار ترک کرد و به دیدار مهربان ابدی شادفت. برخی آثار او عبارتند از:

آ. ک. سربالهای زنده و تلویزیونی

آ. ک. سربالهای زنده و تلویزیونی با کاروانسرای کوزری، حسن آقا باق، خاطرات کودکی و تپیکرهای ایادی.

پخش برنامه «سینمای دو»

سربالهای زنده و تلویزیونی با کاروانسرای کوزری، حسن آقا باق، خاطرات کودکی و تپیکرهای ایادی.

سربالهای زنده و تلویزیونی با کاروانسرای کوزری، حسن آقا باق، خاطرات کودکی و تپیکرهای ایادی.

سربالهای زنده و تلویزیونی با کاروانسرای کوزری، حسن آقا باق، خاطرات کودکی و تپیکرهای ایادی.

سربالهای زنده و تلویزیونی با کاروانسرای کوزری، حسن آقا باق، خاطرات کودکی و تپیکرهای ایادی.

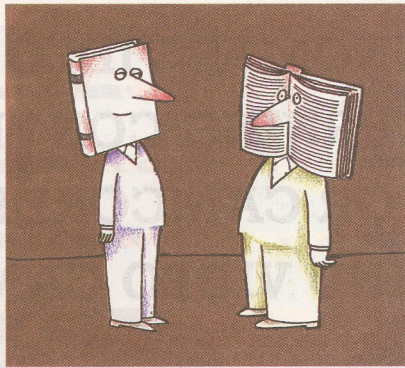
سربالهای زنده و تلویزیونی با کاروانسرای کوزری، حسن آقا باق، خاطرات کودکی و تپیکرهای ایادی.

سربالهای زنده و تلویزیونی با کاروانسرای کوزری، حسن آقا باق، خاطرات کودکی و تپیکرهای ایادی.

هزار تو؛ یا چگونه یاد گرفتم دست از نگرانی خفه و گرم هوای بورزم!

ریک پرده از کمدی - تراژدی فیلمنامه در ایران،

● **محمدرضا ریاحی**



تقر پنجم: ماجرا، همون طرح و توطئه قصه اس! مثلاً همین حالا فکر کن، اگه اخفای بیته که اوضاع مارو به هم بریزه ... تقر اول: خوب، نظر شما چیه؟ تقر دوم: والده چه عرض کن! تقر سوم: چقدر هوا گرمه! تقر اول: پنجپوره، باز کنیدا! تقر دوم: اصلاً موضوع چی بود؟ تقر سوم: خیلی گرم!

تقر چهارم: من که نفهمیدم! تقر اول: کماش رو نفهمید؟ تقر چهارم: همه جا شو، اصلاً سر تو نه داندت. تقر پنجم: اجاره بدین، من توضیح بدم. تقر اول: فرمایید! تقر دوم: (به طرف پنجره می رود): این پنجره هم که قلعه!

تقر پنجم: مشکل فیلمنامه نویسی ایرونی اینه که نمی دونه، قصه چیه. تقر اول: شما می دونید؟ تقر پنجم: اختیار دارین ... قصه یعنی ... (می خواهد تعریف کنه) تقر چهارم: یعنی داستانی! تقر پنجم: بله، ولی داستانه هم نیست، قصه یعنی ... تقر دوم: همون موضوعه دیگه ...! تقر اول: خوب، موضوع چیه؟ تقر سوم: (با پنجره کلماتی می رود): موضوع اینه که هوا خیلی گرمه، پنجره هم قلعه.

تقر چهارم: نه عزیزم موضوع یعنی نمیشه. یعنی همون چیزی که فیلمنامه نویسی ایرونی نمی دونه چیه. تقر اول: شما می دونید؟ تقر پنجم: اختیار دارین، اگه نمی دونستم، اینجا چیکار می کرد! (همه می خندند، تقر سوم بصدت عرق کرده، نفسش بالا نمی آید)

تقر سوم: بابا یکنی بیاد این پنجره رو، باز کن! تقر دوم: موضوع یعنی ماجرا، فیلمنامه ای که ماجرا نداشته باشه، مفت نمی آوره! تقر اول: خوب، ماجرا چیه؟ (همه با هم): آه ...! تقر پنجم: این که قصه حسن کرد شد!

(تقر سوم از گرمای هوا سرش شده و گوشه تاقی کر کرده است)

تقر چهارم: وقتی می گفم نداره، یعنی قصه نداره دیگه! تقر اول: پس چی داره؟ (همه با هم این بار بلندتر و کشیده تر از همیشه): آه ...!! تقر اول: ببخشید، بنده که از چیزی سر درآوردم! (تقر نسوم از شدت گرمای، کتکش را درآورده و بیپوش کنار پنجره افتاده است) تقر پنجم: آسآ، فال قفسیه رو بکنید ... رده دیگه!

تقر اول: آخه چرا رده؟ بکتون بگید به چه دلیل کارشناسی، این فیلمنامه مروده؟ (همه حیران و منعجب به یکدیگر نگاه می کنند، سکوتی بر فضا حاکم می شود)

تقر سوم: اصلاً داستانش چی بود؟ تقر چهارم: درست باید بدم، در خارج از آمریکا نیمی با استقبال گرم نشانه گران مواجه شد. این درحالی بود که به سبب موضوع صرفاً آمریکایی فیلم، موفقیت چندانی در خارج از مرزهای آمریکا برای آن پیشبینی نمی شد. آنچه می خوانید، خلاصه گفتگویی تشریحی به گاردین و یکی با اسپایک لی است.

تقر پنجم: راستی، این ساختمانون چقدر گرمه (متوجه تقر سوم می شود) ایا، این که غش شده! این فیلمنامه، اومده، واسه فیلمنامه نویسه! تقر اول: شما می دونید؟ تقر چهارم (می خندد): اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

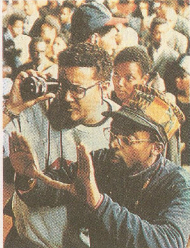
تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

هرگز راه پیمایی يك ميليون مرد سیاه فراموش نمی شون!

گفت و گو با اسپایک لی (فیلمساز آمریکایی)



سال گذشته از اسپایک لی، کارگردان سیاهپوست آمریکایی، فیلم تازه‌ای موسوم به «سوار آنتیروپی» شو به نمایش درآمد که با استقبال نسبتاً خوب منتقدان سینمایی روبه رو شد. این فیلم که موضوع راه پیمایی یک میلیون مرد سیاهپوست را در شهر واشنگتن محور خود قرار داده است، در خارج از آمریکا نیز با استقبال گرم تماشاگران مواجه شد. این درحالی بود که به سبب موضوع صرفاً آمریکایی فیلم، موفقیت چندانی در خارج از مرزهای آمریکا برای آن پیشبینی نمی شد. آنچه می خوانید، خلاصه گفتگویی تشریحی به گاردین و یکی با اسپایک لی است.

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!



مکالی کولکین و ریچارد گرگ، همبازی می شون!

مکالی کولکین، بازیگر ۱۷ ساله آمریکایی که با بازی در دو فیلم تنها در خانه به شهرت رسید، بزودی در فیلم تازه‌ای به نام کلاه سبز پدر به ایفای نقش خواهد پرداخت. وی در این فیلم با ریچارد گرگ، همبازی است.

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

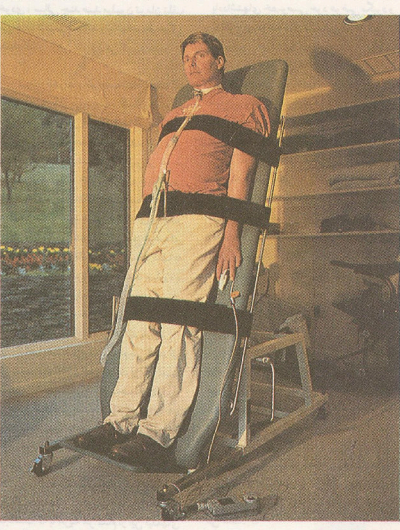
تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

اولین فیلم «سوپرمن» سابق در مقام کارگردان



پایان کار جشنواره پنجام فیلم «کن»

البته در طول فیلم درباره لوئیس فراخان صحبت می شود و شخصیتها، هر کدام نظر خود را درباره او ابراز می کنند. من ضرورتی ندیدم که تصویر فراخان را در فیلم نشان بدهم. البته، عده‌ای از منتقدان این امر را به مخالفت من با فراخان تعبیر کرده اند، که درست نیست. هرچند که من بسیاری از نظرها را فراخان را نمی پسندم، اما برای او احترام ویژه‌ای قائلم. او به هر حال، آدمی است که توانست یک میلیون سیاهپوست را به غیابهای شهر واشنگتن بیاورد.

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

مکان: داخلی با یک پنجره و یک میز در فضای داخلی
آهبا: یک شورای فرضی فیلمنامه (شکل از ۵ نفر)

تقر اول: (بعد از قرائت یک ستایر بهم می خندند. سپس همه هم حضارایی این)

تقر اول: (بعد از قرائت یک ستایر بهم می خندند. سپس همه هم حضارایی این)

تقر اول: (بعد از قرائت یک ستایر بهم می خندند. سپس همه هم حضارایی این)

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

عظیم ترین پروژه سینمایی سال ۷۵ پایان یافت

فیلمبرداری پروژه عظیم موج نشینان در نیمه دوم فروردین ماه پایان یافت. موج نشینان که دومین فیلم بلند تاریخ خراس، همزمان با عید سعید فطر و هجرت ۷۵ در جزیره مینو آغاز شد و بافت. تدوین موج نشینان را حسین زندیافه انجام داده است و در این مجموعه بیش از ۵۰ بازیگر شرکت دارند.

موج نشینان داستان فعالیت یک گروه تجسس ایرانی در خاک عراق و جزیره فاوه است. عوامل این مجموعه عبارتند از:

کارگردان: احمر کویتسه
فیلمنامه: شکرالله میرهن-ملیر فیلمبرداری: سمعد اللهباری-صداگذاری و میکس: اسحاق خازندی-بازیگران: حسن عباسی-محمد پرویزیان-شهراد صفوی-حبیب اللهباری-علی نظری-علی طوسی-شاهین باباپور و ...

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

تقر اول: (ملاحظه کنه) اگه ضبط صوت روشن نبود، بهت می گفتم! تقر دوم: (چون فیلمنامه نویسه) این فیلمنامه چفت و بست داره، شما چرا جو شوختی به جای دیگه! نامریویته!

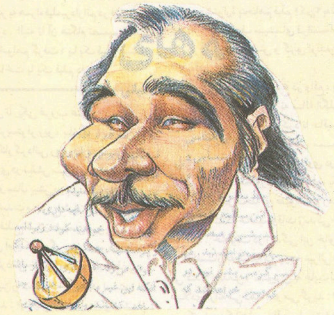
زنده باد عزیزان بی جهت

■ یوستعلی هیرشاک

سینما چه در مرتب رسانه ای و چه در مرتب هنری، بشدت در نفوس و عقول تصرف می کند و موجب اعراض از شنیدار گرایبی کهن می شود و اگر مخاطب خود را به ساخت دیدار وارد نکند، لافلاک دفعه طلب جهانی دیداری و آزاد را در او برسی انگیزد و عصبه او را با وضع مسوجو اخلاق و ایستواری، مست می کند، اما اگر حافظان وضع موجود باشند، سینما می تواند از سوی در نسبت با تاریخ کشمندانه هیروز و از سوی دیگر در نسبت با سطوت فرای موجود، نه تنها برگزیده آنها و موجب پیداری دلها، بلکه آرزو گریز از نیست انگاری و عبور از بحرانهای گوناگونی باشد که ما، در برزخ میان تاریخ قدیم و جدید با آنها دست به گریبان هستیم. اما در طلب وضع موجود بودن، دشوار است و در توان بندگان مال و جاه نیست. به ناگزیر باید طمع از خیر سینمایی وطنی برید و به همان راهی رفت که جوانان و نوجوانان این سرزمین می روند، یعنی طغای این سینما را به لقای آن بخشید و سر در بی سینمای سطوت و کشمندی نهاد.

ما سینما نداریم، پس مصرف کننده سینمای وارداتی هستیم و چون ملتهاست که هالیوود حیثیت از دست رفته را به دست آورده و به مرتب سابق خود، یعنی سلطنت بر نفوس و عقول برگشته است، به بیان دقیقتر و صریحتر، مصرف کننده سینمای

صرف تفسیر از آمریکا و اعلام انزجار از سینمای هالیوود، سینمای بی تاریخ و بی توپیم ما را نجات نخواهد داد. جشنواره فیلم نیز حتی اگر با بودجه ای صد برابر بودجه کنونی برگزار شود، کاری از پیش نخواهد برد.



هالیوود، و مگر می شود همه طبقات مردم را رها کرد که جلالتین، هوش ریاضی، جادویترین فیلمها را رها کنند و به تماشا ای قیلمهلی بشینند که با فلاکت بارزتر رسد شیوه ها ساخته شده اند تا ای مردم را سر کیمه کنند در فلان جشنواره اروپایی نمایش داده شوند. اصلاً مگر مردم اروپا چه می کنند، جز اینکه با دل و جان به استقبال از محصولات هالیوود بشینند؟ مگر نه اینکه سالهاست هالیوود هم ریشه سینمای موج نوی فرانسه را خشکانده و هم تاریخ تئورالایس ایتالیا را به پایان رسانده است و... الخ. تنها ما نیستیم که مغلوب هالیوود واقع شده ایم، تمام جهان مغلوب هالیوود است؛ با این تفاوت که میان فرهنگ اروپا و آمریکا، چندان تفاوتی نیست و اگر المان و فرانسه و انگلیس سینمای هالیوود را نمانند، به خاطر اخلاق و تفکر است، بلکه در این سيطرة دانگستر، ورکشگی



در هیچ کجای جهان، ممکن نیست کسی که بنا به مصالح سیاسی این یا آن جناح از قدرت، در دوایر دولتی به مدیریت نهادهای بی بنیاد سینمایی گماشته شده است، به خود اجازه بدهد که بدون کمترین شناختی از سینما، کارگردان شود، جز در این سرزمین، چه نامی به این هرج و مرج می توان نهاد، جز بازی شانس و بخت و اقبال؟ در فرهنگهای شنیداری، تمام درها پر پاشنه دجوی طالع ز خوراری تره به می گردد و در پرتوهین سمد و نحس بخت و طالع است که بسا هنرمند گردن فراز که با گرستی و بی خانمانی دست به گریباندند و بسا بی هنر پردعای وقیح که در پرتوی حمایت همچون خودی، سالی چند صد میلیون تومان تلف می کنند تا فیلم بسازند و با تهاجم فرهنگی مقابله کنند. زهی کار و زهی کور و...

تضاد قدرت، موجب شده است که برخی از بزرگان بی سبب، گمان کنند که هنرمندانه ترافیندی است و تنها شرط لازم و کافی بی مقدمه هنرمند شدن، سر و پز و مسلمان و داشتن است. اگر این بی سبب بزرگ شدگان، خود دانش و پیشینی می داشتند، می دانستند، مجال استی که در همه عصر خود هیچ علاقه ای به هنر نداشته و کمترین استعدادی در هیچ عرصه ای از عرصه های هنر نشان ندهاده است، تنها به مدد نماز و روزه خود و پورا یافتن مبارزه با تهاجم فرهنگی، سینماگر شود. جای آن است که خون جوانان را در دل زین تانین که خرف می شکنند بارازش گامی شیطان و سوسه ام می کنند که آبی سبب بزرگ شدنشان؟ دارن از سر تعدد آتمهای نامستعد را مورد حمایت قرار می دهند تا هم اهل استعداد دلسرد شوند، هم بودجه مبارزه با تهاجم فرهنگی تلف شود و زنده باد سینماگران ناگهان، عزیزان بی جهت و بزرگان بی سبب که خواسته و ندانسته تیغ چهل و جور خوش، زنجیر طغ و نمانند به شنیدار گرایان را از دست و پای ما باز می کنند.

UNOMAT VIDEO - TURNING CONVERTER FOR CAMCORDERS AND VIDEO CAMERAS.



Two-in-one attachments

گنورتور لنز یونومات برای دوربینهای فیلم برداری

تهران صندوق پستی ۷۷۴-۱۳۱۴۵
نماینده گی انحصاری رسمی یونومات
شرکت تهران دیدگاه (سویر کانس)
۶۲۴۲۳۲۴
۶۲۹۵۱۱۵
۶۲۹۵۱۱۴

